

## مبانی نظری و اعتقادی گزینش

### بر اساس مستندات قرآنی و روایی مفاد فرمان حضرت امام خمینی (ره)

مقدمه :

حضرت امام خمینی (ره) معمار بزرگ جمهوری اسلامی ایران با فرمان تاریخی خود در تاریخ ۶۱/۱۰/۱۵ مبنی بر تشکیل هیئت های گزینش، شاکله ای جدید بر اساس موازین و معیارهای واقعی دین مبین اسلام را برای نظام گزینش کارگران کشور ترسیم و تدوین نمودند. تمامی مفاد این فرمان و واژگان طرح شده در آن در بردارنده مطالب و موضوعاتی است که باید نظام گزینش در راستای تقویت مبانی فکری، نظام اعتقادی خود و در تدوین موازین و معیارهای کاری گزینش بیش از پیش به آن توجه کرده و به بررسی و تحلیل محتوایی آن واژگان پردازد. تعیین و تبیین مطالب نهفته در این فرمان که در برگیرنده از مباحث و شیوه های طرح شده گزینشی در دین اسلام است، مبانی فکری و اصول و ضوابط اجرایی کار گزینش را روشن میسازد. از این رو مجموعه حاضر که درآمدی کوتاه و گذرا بر واژگان طرح شده در این فرمان بوده به عنوان اولین مجموعه تحقیقی در این زمینه خدمت تمامی عزیزان گزینشی تقدیم می گردد. واکاوی و تحلیل این واژگان بر اساس معارف و مستندات موجود در قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) انجام گرفته است. مطالب و محورهای که در موضوعات گوناگون آن طرح شده است، اصول و خط مشی هایی است که از منظر مباحث اسلامی و نگرش دینی نسبت به مقوله انسان و موضوع استخدام افراد در مناصب حکومتی تدوین گردیده و میتواند مبنا و شیوه کار گزینشی در مسائل مختلف تحقیق، مصاحبه، ارزشیابی، انتخاب و انتصاب افراد در مشاغل و مناصب حکومتی و دولتی قرار گیرد. موضوعاتی مانند مبانی قرآنی و روایی مقوله گزینش، ویژگی های رهبران و حاکمان جامعه اسلامی، جایگاه و نقش انسانهای برگزیده در هدایت انسانها و مدیریت امور مادی و معنوی آنان، ضرورت وجود گزینش در شاکله اجرایی حکومت دینی، ویژگی های لازم برای کارگزاران حکومتی، ویژگی های لازم در گزینش کنندگان، شرایط انتصاب مدیران در حکومت اسلامی، تفاوت کارایی انسان های مؤمن و معتقد با افراد غیرمؤمن، لزوم سپردن امانت ها و سرمایه های ملی و واگذاری مسئولیت های اجتماعی به افراد دارای صلاحیت، مباحثی است که به طور اجمال در این مجموعه بدان پرداخته شده است. امید است در مجلد بعدی از این مجموعه بتوانیم موضوعات دیگری از مبانی و موازین کاری گزینش از قبیل «اصول و شیوه های گزینش افراد»، «گروه های مختلف فکری و عقیدتی موجود در جامعه» از منظر مباحث اعتقادی، روانشناختی و جامعه شناسی مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

## ستاد پیگیری تخلفات قضائی و اداری

اخیراً چند کتاب به عنوان سؤالات دینی و ایدئولوژی اسلامی را ملاحظه نمودم و بسیار متأسف شدم از آنچه در این کتابها و جزواتی از این قبیل «به اسم اسلام» «این دین انسان ساز الهی» برای «گزینش عمومی» مطرح شده است و آنها را میزان رد و قبولی افراد قرار داده اند. این نوشته ها که مشحون از سؤالات غیرمربوط به اسلام و دیانت و احیاناً مستهجن و اسف آور است. از آنجا که به اسم دیانت و اسلام منتشر شده است، از کتب و جزوات انحرافی است که برای حیثیت اسلام و جمهوری اسلامی مضر است و به وزیر ارشاد توصیه نمودم که امثال این کتب را در اسرع وقت جمع آوری و فروش و خرید و نشر آنها را ممنوع شرعی اعلام نمایند. شاید بسیاری از افرادی که در تدوین آنها دخالت داشته اند دارای حسن نیت بوده اند. لکن احتمال نفوذ شیاطین در این نحو مسائل قوی است که برای مشوه نمودن چهره نورانی اسلام یا جمهوری اسلامی به این امر اقدام نموده اند. لهذا مراتب زیر را از ستاد محترم خواستارم:

۱. تمام هیأت هایی را که به نام گزینش در سراسر کشور تشکیل شده اند منحل اعلام می نمایم چه در قوای مسلح یا در وزارتخانه ها و ادارات و چه در مراکز آموزش و پرورش تا برسد به دانشگاه ها، تمام آنها منحل است و ستاد انحلال را اعلام نماید.

۲. ستاد موظف است در اسرع وقت دستور دهد تا هیأت هایی به جای هیأت های منحل، از «افراد صالح و متعهد و عاقل و صاحب اخلاق کریمه و فاضل و متوجه به مسائل روز» تعیین تا در گزینش «افراد مصالح» بدون ملاحظه روابط» اقدام نمایند و گزینش زیر نظر آنها انجام گیرد و دقت شود تا این افراد، «تنگ نظر و تندخو، و نیز مسامحه کار و سهل انگار» نباشند و چنانچه قبلاً تذکر داده ام «میزان در گزینش حال فعلی افراد است» مگر آنکه از گروهک ها و مفسدین باشند یا حال فعلی آنها مفسده جوئی و اخلاکری باشد و اما کسانی که در رژیم سابق به واسطه جو حاکم یا الزام رژیم ستمگر مرتکب بعضی نارواها شده اند ولی فعلاً به حای عادی و اخلاق صحیح برگشته اند، تندروی های جاهلانه در حق آنها نشود که این «ظلم» است و مخالف دستور اسلام و باید ممنوع اعلام شود.

۳. از آنجا که بسیاری از سؤال های اسلامی این کتابچه ها از مسائل غیرمحل ابتلاء می باشد که شاید فضلا و علمای زحمتکش نیز در جواب آنها عاجز باشند و نیز بعض آنها غلط و بعضی از سؤالات و جوابها برخلاف است، این نحوه سؤالات به هیچ وجه معیار در گزینش افراد نیست و ندانستن آنها برای آنان اشکال و عیبی ندارد. لازم است ستاد محترم اشخاصی را مأمور کنند که اگر افرادی، چه به واسطه سؤال های شرعی که دانستن آنها برای این اشخاص لزوم ندارد و چه سؤال های ناروای که به اسلام ارتباط ندارد، از ادارات و یا وزارتخانه یا دیگر مراکز اخراج شده

اند و یا به واسطه آن استخدام نشده اند، تشخیص داده تا اگر اخراج یا عدم پذیرش به صرف این امور یا اشباه آن بوده است، آنان را به محل خود برای خدمت برگردانند که این نحوه عمل که با آنها شده است ظلم فاحش است و «محروم نمودم کشور از اشخاص مفید» می باشد که از همه اینها باید جلوگیری شود و نیز از افراد صحیحی که در هیأت های گزینش بوده اند، قدردانی شود و به افراد دیگر آنها نصیحت شود تا نظیر این افعال در کشور اسلامی واقع نشود.

۴. ستاد محترم دستور دهد «کتابچه های» مختصری شامل بعضی از مسائل شرعی که محل اطلاع عمومی است و مسائل اعتقادی که دانستن آنها در اسلام لازم است به طور ساده، بدون معماها که در این کتب و نشریات انحرافی موجود است، و بعضی مسائل مناسب با شغل افراد «با نظارت اشخاص مطلع از احکام اسلام و متوجه به اطراف مسائل سیاسی و اجتماعی» تهیه شود و آنها را در دسترس افراد قرار داده و در صورت احتیاج اشخاص را آموزش دهند و بدون آموزش سؤال از آنها نشود و «میزان رد و قبول، موازین اسلام و انسانی باشد» که هدایت جاهلان منظور نظیر اصیل است.

۵. «تجسس از احوال اشخاص» در غیر مفسدین و گروه های خرابکار مطلقاً ممنوع است و سؤال از افراد به اینکه چند معصیت نمودی، چنانچه بنا به بعضی گزارشات این نحوه سؤالات میشود، مخالف اسلام و تجسس کننده معصیت کار است. باید در گزینش افراد این نحوه امور خلاف اخلاق اسلام و خلاف شرع مطهر ممنوع شود.

۶. بنا به گزارش رسیده، بعضی از کلاس های درس که در ارتش و سپاه و سایر مراکز نظامی و انتظامی تأسیس شده است، بسیار مستهجن و مبتذل است باید این کلاس ها به وسیله اشخاص عالم، عاقل و متعهد اداره شود و نمایندگان اینجانب در نیروهای نظامی و انتظامی با کمال جدیت به اصلاح آنان پرداخته و به کار خود ادامه دهند. این ستاد موظف است برای هر وزارتخانه یا مراکز دیگر کتابچه هایی مناسب با کار آنان به صورت معقول و اسلامی تهیه نموده و از تعلیمات جاهلانه و احیاناً ضد انقلابی جلوگیری نمایند. از خداوند تعالی توفیق آقایان را در امور محوله و حسن جریان آن را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمه الله

## مفاد فرمان حضرت امام خمینی (ره)

واژه های طرح شده در متن فرمان حضرت امام (ره) که در این مجموعه مورد بررسی و مستندسازی قرار می گیرند به شرح ذیل می باشد:

- گزینش
- افراد صالح، متعهد، عاقل، صاحب اخلاق کریمه، فاضل و متوجه به مسائل روز و تنگ نظر و تندخو نباشند و نیز مسامحه کار و سهل انگار
- گزینش افراد صالح
- بدون ملاحظه روابط
- میزان رد و قبول موازین اسلام و انسانی باشد،
- به اسم اسلام
- این دین انسان ساز الهی
- میزان در گزینش حال فعلی افراد است، مگر اینکه از گروهکها و مفسدین بوده، یا حال فعلی آنان مفسده جویی و اخلاف گری باشد
- ظلم فاحش و محروم نمودن کشور از اشخاص مفید
- تجسس از احوال اشخاص در غیر مفسدین و گروههای خرابکار ممنوع است.

## فصل اول «گزینش»

گزینش سنت جاری خداوند در نظام هستی است (الله یصطفی من الملائکه رسلا و من الناس ان الله سمیع بصیر) خدا از میان فرشتگان، و نیز از میان مردم رسولانی برمی گزینند، که همانا خدا (به سخن عالمیان) شنوا و به (لیاقت آنان) بیناست.

گزینش ضرورتی انکارناپذیر است. همانگونه که مقوله «گزینش» به عنوان انتخاب آگاهانه و هوشمندانه در تمامی اعمال و رفتار زندگی بشر صورت می گیرد، به صورت سنتی پا برجا نیز در کلیه امور عالم هستی در جریان می باشد.

نظام هستی بر پایه ربوبیت الهی در حرکت است و خداوند متعال که پروردگار جهان هستی است تدبیر، تنظیم و مدیریت امور عالم را به واسطه فرشتگان خود که در جریان گزینشی هوشمندانه و عالمانه و دقیق برگزیده و بر رأس امور گمارده است در دست دارد. نظم نظام هستی که نشان از وجود مدبران هوشمند الهی در جای آن دارد ثمره شیرین این گزینش خوب و دقیق می باشد

(فالمدبرات امرا) قسم به فرشتگانی که (به فرمان حق) به تدبیر نظام خلق و کار بندگان می کوشند.

سنت گزینش و انتخاب بهترین ها، در امر انتخاب جانشینان الهی و رهبران جوامع بشری هم جاری و ساری است. او برای هدایت بندگان خود انسان هایی را از میان آنان برمی گزیند که بتوانند به عنوان خلفای الهی به هدایت، رهبری و مدیریت امور مخلوقات عالم بپردازند.

این افراد برترین انسان های روی زمین اند که بواسطه علم، بصیرت و آگاهی همه جانبه الهی (ان الله سمیع بصیر) شناخته، گزینش و انتخاب گردیده و بر رأس امور گمارده میشوند.

واژه اصطفاء به معنای انتخاب بهترین و برترین و خالص ترین از هر چیز است؛ و این سیستم گزینش، در نظام تکوین الهی به بهترین وجه جاری و ساری بوده و بهترین و برترین موجودات و فرشتگان را برای تدبیر امور عالم بر روی کار می آورد.

هماهنگی نظام تکوین و تشریح و تحقق اهداف و برنامه های ربوبی خداوند، در نظام تشریح او که همان عرصه زندگی آزادانه افراد بشر است، هدف نهائی و غایت قصوای تمامی اوامر الهی و خواسته های فرستادگان او می باشد.

تاریخ، نشان انتخاب شایسته ترین افراد برای هدایت و مدیریت امور انسان ها از سوی خداوند می باشد.

(ان الله اصطفی ادم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین)

همانا خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد و برگزید

مطالعه تاریخ نشان از این دارد که در تمامی دوران های زندگی بشر بهترین و شایسته ترین افراد از طرف خداوند به هدایت و رهبری جوامع انسانی و مدیریت امور آنان برگزیده و گمارده میشدند. سلسله پیام آوران الهی از آدم و نوح (علیهما السلام) گرفته تا خاندان ابراهیم و عمران (علیهما السلام) که پیامبر عظیم الشان اسلام آخرین آنان از این سلسله میباشند، خالص ترین و صالح ترین و برترین انسان هایی بوده اند که از سوی پروردگار به رهبری و هدایت اقوام بشر منصوب شده اند. آنان به واسطه فضائل و کمالات ذاتی شان بر دیگر افراد بشر شرافت و برتری داشته و به واسطه انتخاب و انتصاب بر این امر نیز بر دیگران برتری و شرافت داده می شدند:

(و اسماعیل و الیسع و یونس و لوطاً و کلاً فضلنا علی العالمین)

و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط را؛ و ما همه آن پیغمبران را بر عالمیان شرافت و برتری دادیم.

انسان های برگزیده الهی وظیفه تحقق مهمترین رسالت های خداوند را بر عهده دارند. برگزیدگان خداوند مأمور هدایت و رهبری جامعه و مدیریت دینی تمام شئون زندگی و اجتماع مردم هستند. آنان وظیفه تعلیم، تربیت و مدیریت فکری و معنوی افراد را بر عهده دارند.

برپایی مناسک عبادی در سطح جامعه برای برقراری ارتباط انسان ها با خداوند، تنظیم امور مالی و اقتصادی جامعه و برون آوردن حقوق الهی و مستمندان از آن، تقویت و کنترل ارزش های دینی، اجرای حدود الهی و رعایت ضوابط و قوانین شرعی در انجام امور، سوق دادن فرهنگ و اعتقادات اجتماعی به سوی ارزش های دینی و انسانی از مهم ترین وظایفی است که بر عهده برگزیدگان خداوند بوده که در آیات ذیل به آنها اشاره شده است:

لقد من الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلو عليهم آياته و يزكيهم و يعلمهم الكتاب و الحكمة وان كانوا من قبل لفي ضلال مبين)

خداوند بر مؤمنان منت نهاد (نعمت بزرگی بخشید) هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.

(لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط)

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

(و جعلناهم ائمة يهدون بامرنا و اوحينا اليهم فعل الخيرات و اقام الصلاة و ايتاء الزكاة و كانوا لنا عابدين)

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می کردند؛ و انجام کارهای نیک و برپا داشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم؛ و تنها ما را عبادت می کردند.

(الذين ان مكناهم في الارض اقاموا الصلاة و اتوا لذكاه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنكر و لله عاقبه الامور)

همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداست!

بر این اساس جانشینان پیام آوران الهی و کسانی که برنامه های حکومتی و فرهنگی جامعه را نیز بعد از آنان در دست می گیرند وظایف و رسالت های خطیری برعهده دارند که باید در این عرصه ادامه دهنده راه پیامبران و مجری دقیق قوانین و ضوابط الهی آنان باشند.

براین اساس جایگاه رهبری و منصب خطیر حاکمیت در جامعه انسانی از اهمیت والائی برخوردار بوده و در اصلاح امور جامعه و سعادت مردمان آن نقشی اساسی و سرنوشت ساز را ایفا میکند. امام علی (علیه السلام) در اهمیت این جایگاه خطیر میفرماید:

(مكان القيم بالامر مكان النظام من الخرز، يجمعه و يضمه فان انتقح النظام تفرق و ذهب، ثم لم يجتمع بحذافيره ابدا)

جایگاه متولی و سرپرست جایگاه ترتیب دهنده و نظم دهنده مهره ها است که آنها را جمع کرده و به یکدیگر انضمام میدهد، اگر آن رشته نظم دهنده قطع شود همه مهره ها از هم گسسته و منقطع شده و نظم و یکپارچگی آن از میان می رود و سپس هیچگاه با جمعیت بسیار و مردان جنگجو هم جمع نخواهد شد.

امام رضا (علیه السلام) به اهمیت و نقش امامت و رهبری در جامعه اسلامی اشاره کرده و می فرماید:

(ان الامه زمام الدين، و نظام المسلمين، و صلاح الدنيا، و عز المؤمنين)

براستی امامت زمام داریدین الهی و نظام دهنده امور مسلمین و اصلاح کننده دنیا و امور مادی انسان ها و موجب عزت یافتن مؤمنان است

زمام داری دین و آیین زندگانی مردم، نظام دهنده امور مسلمانان، اصلاح کننده مسائل مادی و دنیایی آنان و عزت بخش انسان های مؤمن در روی زمین است، که همه از ثمرات و نقش والای رهبری جامعه اسلامی است. هر کدام از شئون ذکر شده مرتبط با بخشی از مسائل زندگی فردی و اجتماعی افراد یک جامعه می باشد که تنها بواسطه وجود یک رهبر الهی در آن منصب خطیر، سامان یافته و زمینه رشد و سعادت افراد جامعه و امور فردی و اجتماعی آنان را فراهم می آورد.

زمام داری درست دین، مدیریت دینی امور مسلمین که اصلاح امور مادی و معنوی و تأمین عدالت و معنویت و رواج ارزشهای دینی را در بخش های مختلف جامعه به دنبال دارد، همه از عوامل هویت بخش یک جامعه اسلامی است. لذا منصب رهبری و مدیریت دینی جامعه، اولین و مهمترین جایگاهی است که نیازمند گزینش و انتصاب فردی صالح و کارآمد از سوی خداوند متعال برای آن دارد تا سعادت فرد و جامعه در سایه آن به منصه ظهور برسد.

از این منظر است که تمامی مناصب و مشاغل مدیریتی و حکومتی در جامعه اسلامی از شئون مختلف رهبری جامعه اسلامی می گیرد که به فرموده امیرالمؤمنین علی (ع) اگر تمامی مهره های تشکیل دهنده آن، حول محور مدیریت و رهبری یک فرد برگزیده الهی نظم نگیرد شئون مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن به طرف از هم گسستگی و نابسامانی کشیده خواهد شد. بر این اساس به غیر از جایگاه رهبری، احراز هر منصب و جایگاه دیگری نیز در نظام حکومتی اسلام تنها باید براساس یک گزینش دقیق با معیارهای دینی و الهی انجام یافته تا احراز منصب و شغل مورد نظر نیز دارای مشروعیتی الهی گشته و موازین دینی در آن رعایت و اجرا گردد.

در آیه هیجده سوره مبارکه دخان به این ضرورت تصریح شده است: حضرت موسی (ع) اعلام میدارد که «امور بندگان خداوند را به من واگذار کنید» چرا که من هم «فرستاده خداوند» بوده و دارای مشروعیتی الهی در برعهده گرفتن امور بندگان خداوند هستم و هم «انسانی امین» بوده و دارای صلاحیت لازم (تعهد و تخصص) برای این کار میباشم: (ان ادوا الی عبادالله انی لکم رسول امین)

(به آنان گفت): امور بندگان خدا را به من واگذارید که من فرستاده امینی برای شما هستم.

بر پایه این حقیقت عقلانی و اصل قرآنی مدیریت امور و احراز شئون مختلف حکومتی در یک جامعه فقط باید براساس معیارهای الهی انجام گردد که گزینش و لحاظ کردن شاخصه های مورد نظر در آن تنها عامل مشروعیت یافتن حراز آن مناصب می باشد.

منشأ و مسیر مشروعیت احراز مناصب حکومتی در قالب بزرگترین گزینش الهی در قرآن طرح شده است.

گزینش و انتخاب رهبر و مدیر جامعه اسلامی و احراز مناصب گوناگون حکومتی و مدیریتی که در مسیر آن مشروعیت می یابد آن مقدار دارای اهمیت است که در جریان غدیر خم خود خداوند برای انتخاب جانشین آخرین پیامبر خود اقدام به تعیین آن کرده و با این انتخاب خط سیر این مشروعیت مناصب حکومتی را نیز تا ظهور آخرین فرستاده خود مشخص نموده است: (یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته)

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای

انتخاب امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به عنوان رهبر جامعه اسلامی تنها انتخاب مدیر و رهبر جامعه اسلامی نیست بلکه معرفی معیارها و ویژگی های لازم مورد نیاز در احراز مناصب حکومتی و تعیین خط سیر مشروعیت انتخاب مدیران جامعه اسلامی نیز می باشد؛ چرا که تمامی مناصب حکومتی از شئون مختلف امر رهبری در یک جامعه اسلامی است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دام ظلّه العالی) در این زمینه می فرمایند: «مسأله غدیر، یعنی گزینش علم و تقوا و جهاد و ورع و فداکاری در راه خدا و سبقت در ایمان و اسلام و تکیه روی اینها در تشخیص و تعیین مدیریت جامعه».

نوع مدیریت در جامعه اسلامی و افرادی که مناصب حکومتی و مدیریت برنامه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه را برعهده می گیرند به قدری دارای اهمیت است که در فراز دوم این آیه نیز روی آن تأکید شده و عدم اعمال موازین دینی و الهی در واگذاری آن را مساوی با بی ثمر شدن تمامی فعالیت های تبلیغی و فرهنگی در جامعه برمی شمارد، حتی اگر هم این تلاش ها از سوی فردی همانند پیامبر (ص) با داشتن تأییدات الهی انجام گرفته باشد.

لذا این جایگاه دارای نقشی اساسی در تحقق آرمان های اجتماعی و انسانی جامعه اسلامی دارد که باید مورد توجه کامل قرار گیرد:

(و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس ان الله لایهدی القوم الکافرین)

و اگر آنرا انجام ندهی رسالت خداوند را ابلاغ نکرده ای و خداوند تو را از خطر مردم مصون میدارد ...

سست شدن رکن اصلی اجتماع جامعه بشری یعنی منصب رهبری و مدیریت جامعه و به انحراف رفتن آن موجب از هم پاشیدگی شالوده های ارزشی در جامعه اسلامی می شود. زمانی که در یک حکومت دینی نیز موازین ارزشی به طرف استحاله شدن سوق یافته و حرکت آرمانی آن از مسیر سالم و خالص آن خارج شود نشانه های سقوط و انحراف که امیرالمؤمنین (ع) در کلام بیان خود به آن اشاره کرده اند، در آن نمودار می گردد:

یستدل علی ادبار الدول باریع: تضییع الاصول، و التمسک بالفروع، و تقدیم الاراذل، و تأخیر الافاضل

به چهارچیز بر افول و سقوط دولت ها دلالت می شود: ضایع کردن اصول، چنگ زدن به فروع، مقدم کردن انسان های پست و فرومایه، به کنار گذاردن انسان های فاضل و نخبه

این چهار موضوع، شاخصه های بسیار مهمی است که هر یک از دستگاه های مراقبتی و کنترلی یک حکومت دینی وظیفه کنترل، رصد و محافظت از پدیدار نگشتن آنها را بر عهده دارند که ارگان گزینش نیز در رأس آنها قرار دارد.

«گزینش» و ضرورت های انجام آن

در این قسمت مستندات قرآنی و روایی را که به ضرورت وجود یک نظام گزینشی در درون حکومت اسلامی اشاره میکند مورد بررسی قرار می دهیم:

الف) گزینش دستور صریح رهبران دینی ما است.

ثم انظر فی امور عمالک فاستعملهم اختباراً و لاتولهم محاباه و اثره فانهما جماع من شعب الجور و الخیانه

سپس در امور کارمندان بیندیش، و پس از آزمایش به کارشان بگمار، و با میل شخصی، و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وامدار، زیرا نوعی ستمگری و خیانت است.

گزینش ضرورتی اجتناب ناپذیر برای دستگاه های اجرایی حکومت اسلامی است. این گفتار امیرالمؤمنین علی (ع) قسمتی از عهدنامه معروف ایشان به فرماندار خود در زمینه تعیین خط مشی برنامه های حکومتی ایشان است که در آن به ضرورت گزینش و بررسی عملکرد عاملان حکومتی در واگذار کردن مصادر امور اجرایی کشور تأکید می کند. در این فراز دو روش اشتباه در انتخاب کارگزاران حکومتی اشاره داشته و ایشان را از آن دو روش پرهیز می دهند:

۱. انتخاب کارگزار حکومتی نباید تنها با خواست و میل شخصی مدیر بالاتر انجام گیرد.

۲. انتخاب کارگزاران حکومتی باید همراه با مشورت و نظرگیری از دیگران باشد.

ایشان عدم رعایت موارد مذکور در انتخاب و گماردن کارگزاران حکومتی را مهمترین عامل ایجاد ظلم و خیانت در درون حکومت اسلامی نسبت به حقوق افراد جامعه و نسبت به آرمان ها و ارزش های دینی میدانند که رواج ظلم و فساد در سطح حکومت و جامعه به دنبال آن خواهد بود.

بر پایه این کلام «گزینش کارگزاران و مدیران حکومتی» اولین و مهمترین مسئله ای است که یک دولت اسلامی برای آنکه در تحقق آرمان ها و برنامه های خود موفق باشد باید نسبت به آن اقدام کند. براساس همین اصل اسلامی است که بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) میفرماید:

«دولت بدون گزینش اشخاص متعهد و متخصص در رشته های مختلفه موفق نخواهد شد؛ و دولتمردان در گزینش همکاران به کاردانی و تعهد آنان و بهتر خدمت کردن آنها به کشور و در منافع ملت بودن آنان تکیه کنند تا در پیش حق تعالی و ملت روسفید باشند و در امور موفق باشند»

اهمیت کار گزینش هیچ نوع مسامحه، سهل انگاری و مدارا کردن را برنمی دارد؛ در نظام ارزشی دین، هر نوع مدارا، تسامح و وفاداری نسبت به خیانت پیشگان، مساوی با خیانتی بزرگتر نسبت به خداوند و در حق دیگر انسان ها است:

الوفاء لاهل الغدر غدر عندالله و الغدر باهل الغدر وفاء عندالله

وفاداری با خیانتکاران نزد خدا نوعی خیانت، و خیانت به خیانتکاران نزد خدا وفاداری است.

مدارا کردن با افرادی که به هر نحوی اهل خیانت به ارزش های دینی و اموال و دارایی های عمومی هستند و تسامح و سهل انگاری نسبت به آنان در ورود به مناصب حکومتی، خیانت در پیشگاه الهی است و اگر نظام گزینش با عملکرد صحیح و دقیق خود، مانع ورود و انتصاب این افراد در دستگاه های اجرایی شود نه تنها هیچ خیانتی را نسبت به حقوق اشخاص مرتکب نشده بلکه وفاداری بزرگی را در برابر خداوند متعال و مردمان دیندار و مستمندان محتاج، از خود به نمایش گذارده است. این امر معرفتی عمیق و شجاعتی کامل و وفاداری صادقانه ای را از سوی مجریان آن می طلبد تا خواسته های الهی به این واسطه در سطح حکومت اسلامی به اجرا درآید.

ب) امانت باید به اهل امانت واگذار شود.

(ان الله يأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل)

خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به اهلش بدهید! و هنگامی که میانم مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندرزه های خوبی به شما می دهد! خداوند، شنوا و بیناست

امکانات، سرمایه ها، وسایل، مناصب و مشاغل حکومتی هر کدام امانت هایی است که باید تنها در دست اشخاص دارای صلاحیت قرار گیرد. تعهد و تخصص به عنوان دو ویژگی لازم در صلاحیت و اهلیت یافتن افراد، باید در گزینش و سپردن امانت های الهی و مردمی به مجریان امر مورد توجه و بررسی قرار گیرد. گزینش و قضاوت میان افراد با افکار و خلقیات و ظواهر متفاوت برای تشخیص صحیح و قضاوت عادلانه در چنین جایگاهی زمینه ساز تحقق عدالتی بزرگتر در سطح جامعه و حکومت خواهد شد چرا که این کار مانع از ورود فساد و فسادکنندگان در نظام مدیریتی کشور که خود بزرگترین بی عدالتی و منشأ تمامی ظلم ها است می گردد.

ج) وجود افراد گوناگون با بینش ها و گرایش های متفاوت با عملکردهای مثبت و منفی

۱. ارزش، عملکرد و جایگاه انسان مؤمن و درستکار با فرد فاسق و خرابکار متفاوت است

(ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض ام نجعل المتقین کالفجار)

آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند همچون مفسدان در زمین قرار می دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟!



(افمن کان مؤمنا کمن کان فاسقا لایتسوون)

آیا کسی که با ایمان باشد همچون کسی است که فاسق است؟! نه، هرگز این دو برابر نیستند انسان ها به واسطه بینش ها، گرایش ها و عملکردهای خود از یکدیگر متفاوت می شوند. هر فرد نیز با نوع بینش و گرایش متمایز خود دارای عملکردهای متفاوت نیز می باشد. ارزش هر فرد را نیز بینشها، گرایشها، عملکردهای خوب و بد او و آنچه که او برای آن اعتبار قائل شده و نیکو می پندارد مشخص می سازد. حضرت علی (ع) در این زمینه می فرمایند:

قیمه کل امرء ما یحسنة

ارزش هر شخص به میزان ارزش چیزی است که نیکو آنرا میداند و به مقدار ارزش کاری است که نیکو انجام میدهد تفاوتی که در میان افراد مختلف از حیث ارزش و اثر وجود دارد یک تفاوت حقیقی است که در دستگاه عظیم ربوبی عالم و نظام گزینش هستی هم لحاظ گردیده و به نسبت آن افراد را در پیشگاه الهی دارای اجر و قرب می گرداند. نوع عملکرد و اثر حضور یک فرد مؤمن که اعتقادات او هماهنگ با ارزش های انسانی و خوبی های اجتماعی است با فردی که دارای اعتقاد، خلیات و عملکرد ناهمگون با ارزش های انسانی و معروف های اجتماعی بوده و التزامی به موازین دینی، قواعد اجتماعی و وظایف انسانی و ایمانی خود ندارد در حیطه مسائل اجتماعی و مناسبات اداری و حکومتی بسیار آشکارتر و نمایان تر خواهد بود. بسیاری از افراد این تفاوت را از یاد می برند و آنرا در تعاملات کاری و در مناسبات اجتماعی لحاظ نمی کنند؛ در صورتی که تفاوت انسان مؤمن و دارای بینش دینی و بینش کاری با فرد نادان و بی تخصصی که از هیچ بینش عمیق کاری و اعتقادی برخوردار نیست و همچنین تفاوت انسان درستکار و بدکار تفاوتی واضح و فاحش می باشد:

(و مایستوی الاعمی و البصیر و الذین آمنوا و عملوا الصالحات و لا المسیءة قلیلا ما تتذکرون)

هرگز (جاهل) نابینا و شخص (عالم) بینا یکسان نیستند؛ همچنین کسانی که ایمان آورده، و اعمال صالح انجام داده اند با بدکاران یکسان نخواهند بود؛ اما کمتر متذکر می شوید!

۲. جایگاه افراد باید متناسب با ارزش واقعی و عملکرد آنان تعیین شود.

در نظام حکومتی علوی افراد به میزان ارزش واقعی خود و به تناسب حسن نیت و حسن عملکردی که از خود نشان میدهند دارای منزلت و جایگاه میشوند. دستور اکید امیرالمؤمنین (ع) بر این است که هیچگاه نباید در نظر حاکم مسلمین و مدیر جامعه اسلامی فرد درستکار و بدکار دارای منزلتی مساوی بوده و جایگاهی یکسان یابند:

لا یكونن المحسن و المسیء عندک بمنزله سوائ فان فی ذل تزهدا لاهل الاحسان فی الاحسان و تدریبا لاهل الاساءة علی الاساءة و الزم کلا منهم ما الزم نفسه

هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند، زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی رغبت، و بدکاران در بدکاری تشویق می گردند، پس هر کدام از آنان را براساس کردارشان پاداش ده

شایسته سالاری مهمترین اصل در حکومت اسلامی است و تنها راهکار آن شایسته گزینی است. نگاه به افراد در تشکیلات حکومتی و دولتی و ارزش گذاری روی آنان باید براساس ارزش واقعی و سوابق و عملکردهای مثبت آنان انجام گیرد. اگر این اصل مهم به واسطه وجود یک نظام گزینشی قوی به اجرا درآمده و افراد، مدیران و کارگزاران نظام مدیریتی و اجرایی، براساس معیارهای ارزشی بر رأس امور گمارده شوند خود مهمترین عامل تقویت ارزش های اسلامی و انسانی در جامعه و بی ارزش گشتن بدیها و ضد ارزش ها در آن خواهد شد چرا که دینداری حاکمان حکومتی و حسن عملکرد مدیران اجرایی عامل پایبندی و الگوگیری مردم نسبت به ارزش های دینی است. اینکه در داخل یک ارگان دولتی، فرد به میزان حسن سابقه و عملکرد و متناسب با تعهد و دینمداری خود صاحب منصب و مقام گردد دیگر عملکرد خوب، کارکرد مفید تعهد کاری و انسانی و تطابق با معیارهای دینی در کار، در آن دستگاه، دارای ارزش و اعتبار گشته و به عنوان یک فرهنگ جریان می یابد تا جایی که می تواند مسائل ضد ارزشی و حتی ناهنجارهای مدیریتی و تخصصی سالم سازی کرده و از میان ببرد. انسان متخصص و متعهدی که علاقه مند به حسن اجرای کار و تطابق کامل عملکرد خود با موازین دینی و انسانی و رعایت حقوق مردم می باشد در میان کارگزاران و کارمندان اداری دارای ارزش و محبوبیت شده و افراد بی تخصص و بی تعهد که با ابزار تملق و ریاکاری و دورویی به دنبال کسب و یا حفظ مقام و منصبی هستند، ارزش خود را از دست می دهند چرا که بی تعهدی و بی تخصص از ارزش افتاده است.

تحقق این حقیقت مستلزم آنست که مدیران ارشد یک دولت به این مسائل پایبند بوده و حقیقتاً خواهان آن باشند که این دیدگاه را در خود تقویت کرده و شایسته گزینی و شایسته سالاری را بر بدنه اجرایی کشور حاکم کنند. در این شرایط است که نظام گزینشی کشور نیز می تواند با قدرت تمام به اعمال شاخصه های گزینشی در انتخاب تمامی کارگزاران حکومتی بپردازد.

اگر دقت کنیم درمی یابیم خطاب اصلی کلام حضرت (ع) به کارگزاران خود نیز که او را به عنوان مدیر و حاکم کشوری منصوب کرده است، همین مسئله می باشد یعنی دقت در نگاه و تنظیم موضع فکری نه انتخاب و بکارگیری که نتیجه این دیدگاه بوده و در مرحله بعدی قرار می گیرد.

د) حضور و تسلط معاندان حاکمیت دینی بر امور جامعه منجر به فساد و ناهنجاری می شود.

(انک ان تذرهم یضلوا عبادک و لا یلدوا الا فاجرا کفارا)

اگر آنها را رها کنی، بندگان (پاک با ایمان) تو را گمراه می کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی آورند! این آیه کلام پیامبری (حضرت نوح (ع)) است که با تلاش فراوان خود در طول نه قرن پیامبری بواسطه چهل حاکم بر جامعه و وجود افراد معاند و کافر در آن تنها موفق به هدایت حدود هفتاد نفر از افراد زمان خود شد. او در مناجات با پروردگار خود بیان میدارد که خدایا اگر افراد کافر، فاسق و معاند را رها کنی و آنان کنترل افکار و مدیریت امور بندگان تو را در دست گیرند به غیر از آنکه تولید فساد و انحراف کرده و با گمراه کردن بندگان تو نسلی کافر و فاجر را به بار می آورند نتیجه دیگری به همراه نخواهند داشت. اینان افرادی اند که حضور و تسلط آنان بر مسائل و افکار مردم موجب استحاله و از بین رفتن ارزشهای اعتقادی در میان آنان و ایجاد نسلی فاسد و کافر است.

یکی از مهم ترین چالش های هر جامعه آرمان خواه و دین مدار که آن را با خطر مواجه می گرداند، فعالیت ها و تحرکاتی است که افراد فاسد، خرابکار و معاند با حاکمیت الهی، برای در دست گرفتن افکار و تمایلات مردم در داخل جامعه انجام میدهند تا در صورت موفقیت و تسلط بر افکار آنان، بتوانند مدیریت کلیه امور فردی و اجتماعی آنان را در دست گرفته و به اهداف شوم خود بر علیه مردم و سرمایه های آنان بپردازند. وجود چنین گروه ها و افرادی در هر حکومتی دینی خطر بزرگی که جلوگیری از ورود آنان به بدنه اجرایی و مدیریتی کشور از وظایف خطیر دستگاه «گزینش» می باشد. سالم سازی دستگاه حاکمیتی و اجرائی کشور وظیفه ارگان گزینش بوده و توفیق بزرگ برای او به شمار می آید.

ه) اراده و خواست الهی بر اداره حکومت، امکانات و منابع زمین توسط بندگان صالح است.

(وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امنا)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد داشت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند.

(و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون)

و ما بعد از تورات در زبور نوشتیم که البته بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!

تشکیل حکومت دینی و ایجاد دولت اسلامی بر پایه اصول و ارزش هایی که خداوند متعال برای یک جامعه دینی تعریف و ترسیم نموده است حرکت در مسیر اراده خداوند و زمینه ساز تحقق آرمان الهی مبنی بر اداره امور و امکانات زمین توسط بندگان شایسته الهی است. گزینش و انتصاب افراد صالح برای ورود به نظام اجرایی کشور و در دست گرفتن امور توسط آنان زمینه ساز و عامل تحقق این آرمان بزرگ الهی است.

بر این اساس گزینش دارای رسالتی بزرگ و آرمانی مهم است که کار او را دارای اهمیت و ارزشی الهی می گرداند.

بر سر کار آمدن انسان های مؤمن که مطابق با خواسته های الهی و آرمان های ارزشی دین اسلام کار و حرکت می کنند محقق ساز آرمان حکومت صالحان بر زمین است؛ آنانی که به محض قدرت یافتن و در دست گرفتن منصب حکومت به ترویج و اجرای مناسک دینی و تأمین نیازهای فردی و اجتماعی انسان ها و کوشش در جهت تحقق ارزش ها و معیارهای اسلامی در سطح حکومت و جامعه می کنند:

(الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه و ءاتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر)

(آنان که خدا را یاری می کنند) آنهایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز به پا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند

و) امر به معروف و نهی از منکر جامع ترین برنامه اسلام برای حفظ اصول و معیارهای دینی در شئون مختلف جامعه است یکی از مهمترین برنامه هایی که دین اسلام برای تحقق اهداف و آرمان های خود در سطح جامعه برای عرصه های گوناگون آن تعریف می کند برنامه «امر به معروف و نهی از منکر» است. این دستور جامع اسلامی با تمامی شئون مختلف جامعه، امور

فردی و اجتماعی افراد و کلیه سازوکارهای حکومتی مرتبط بوده که اجرای درست و صحیح آن عامل اصلاح امور در کلیه عرصه ها میشود. امام باقر (ع) در اهمیت این برنامه مهم دینی میفرماید:

ان الامر بالمعروف والنهي عن المنكر سبيل الانبياء و منهاج الصلحاء فريضة عظيمة بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحل المكاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و ينتصف من الاعداء و يستقيم الامر

همانا امر به معروف و نهي از منکر راه انبياء و روش و برنامه صالحين است، فريضة مهم و بزرگی است که بوسیله آن دیگر واجبات دینی برپا می گردد، راه ها امن میشود، کسب ها حلال می گردد، حقوق پایمال شده برگردانده میشود و زمین آباد می گردد، از دشمنان انتقام گرفته می شود و امور و سمائل راست و درست میشود

تمامی دستوراتی که دین برای ما ترسیم میگرداند معروف هایی است که امور زندگی ما را اصلاح و نیازهای ما را تأمین می گرداند و هر مسئله ای که از آن نهي میکند و در مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ارتباطی دستور به ترک آن را میدهد منکرها و زشتی هایی که زندگی فردی و اجتماعی و مسائل گوناگون آن را مختل کرده و به انحراف می کشاند.

آرمان دین الهی بر این است که تمامی معروف ها و خوبها را در زندگی فردی و مسائل اجتماعی انسان ها به اجرا درآمده و کلیه منکرها و بدی های شناخته شده از میان برود. لذا است که امر به معروف و نهي از منکر جامع ترین برنامه ای است که دین مبین اسلام برای تمامی شئون فردی و اجتماعی زندگی انسان ها قابل اجرا دانسته که امر باقر (ع) اجرای آنرا برای تمامی مسائل موجب اصلاح امور میداند. بر همین اساس در قرآن کریم دستور صریح داده شده است که گروهی از افراد باید به عنوان وظیفه اصلی خود به اجرای این اصل مهم در سطح جامعه اسلامی بپردازند:

(و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرن بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون)

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهي از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند

امر به معروف و نهي از منکر تنها محدود به وظایف فردی و گناهای شخصی نمی شود چرا که معروف و منکر محدود به برنامه های فردی نمی شود. امر به معروف و نهي از منکر کلیه معروف ها و منکرهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، خانوادگی و اقتصادی جاری در یک جامعه را دربرمی گیرد. برنامه های امر به معروف و نهي از منکر در بخش های مختلف به صورت های گوناگون تعریف شده است: اجرای حدود اسلامی، تبلیغ و تبیین شعائر مذهبی و ارزش های دینی، تذکارت فردی راهنمایی و ارشاد انسان های جاهل، غافل یا فریب خورده، تعلیم معارف دین و اصول و ضوابط اسلامی، اجرای اهداف و برنامه های دینی، احقاق حقوق الهی و مردمی، اصلاح امور مردم و جامعه و تأمین نیازهای آنان، حفظ حکومت اسلامی و خلاصه هر دستوری که شرع مقدس ما ارائه داده است معروف هایی است که در بخش های مختلف مطرح می باشد.

لذا اجرای این اصل مهم خود ضامن اصلاح کلیه امور فردی و اجتماعی انسان ها و جامعه آنان است. اگر به کلام امام باقر (ع) توجهی دوباره شود اثرات وسیع اجرای این اصل مهم در بخش های مختلف اجتماعی و مسائل گوناگون یک جامعه پی خواهیم برد.

در حدیثی از امام علی (علیه السلام) می خوانیم:

ما اعمال البر كلها و الجهاد فی سبيل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنكر الا کفنه فی بحر لحي

تمام کارهای نیکو و جهاد در راه خدا برابر امر به معروف و نهي از منکر چونان قطره ای بر دریای موج و پهناور است .

اهمیت و اثرات وسیعی که ذکر شد بر آن میدارد که مروری دوباره بر این اصل بزرگ اسلامی داشته باشیم و کاربرد و شیوه های قابل ترسیم آن را مورد بررسی قرار دهیم.

اگر هر دستور اسلام خود یک معرفی باشد که شامل اصل امر به معروف گردیده پس ما باید راهکارهای اجرایی متناسب با آن را نیز مورد بررسی قرار داده و سازوکارهای متناسب آنرا تدوین کنیم.

اگر اصل «رد امانت به اهل امانت» را که در بخش (ب) این مبحث بیان کردیم به عنوان یکی از بزرگترین معروف هایی است که باید در برنامه های حکومتی به اجرا دربیاید در نظر گیریم می بینیم که اجرای این اصل خود همانند یک امر به معروف بزرگی است که امیرالمؤمنین علی (ع) در اهمیت تحقق آن میفرماید:

لا تتركوا الامر بالمعروف و النهی عن المنكر فیولی علیکم اشرارکم ثم تدعون فلا يستجاب لکم

امر به معروف و نهي از منکر را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلط می گردند، آنگاه هر چه خدا را بخوانید جواب ندهد .

حال آیا اجرای این اصل مهم (رد امانت به اهل امانت) تنها با یک تذکر فردی و یا با نصیحت یک مدیر حکومتی قابل تحقق است یا برای اجرای آن در یک تشکیلات وسیع حکومتی که مسائل در آن تنها با فرهنگ سازی سازمانی محقق نشده و اعمال قوانین، کارها را به چرخش درمی ورد باید تشکیلاتی نظارتی و قانونمند را طراحی کرد که به اجرای این اصل مهم بپردازد.

باید برای اجرای این اصل با یک دید حکومتی و متناسب با تشکیلات اداری شیوه و سازوکاری را طراحی کرد که به اجرای درست این اصل بیانجامد تا کاملاً مطمئن باشیم که با برقراری آن سازوکار در فضای مدیریتی و اجرایی کشور کلیه مسئولیت‌ها به اهل متعهد و متخصص آن واگذار می‌شود؛ در همین مسیر است که زمانی که می‌خواهیم به تدوین سازوکار اجرایی این اصل مهم می‌پردازیم به نظام «گزینش» که معمار بزرگ حکومت اسلامی حضرت امام خمینی (ره) براساس همین اصل حکومتی و با نگاهی سیستمی و تشکیلاتی طراحی کرده اند پی می‌بریم.

گزینش قالب تشکیلاتی برنامه امر به معروف و نهی از منکر برای اجرای اصل «گزینش» و اصل «رد امانت به اهل امانت» در داخل نظام حکومتی اسلام است.

توجهی دوباره به احادیث طرح شده در این باب مطالب دیگری را هم پیش رو ما می‌گذارد:

عدم اجرای برنامه گزینش که به نوعی اجرای برنامه امر به معروف و نهی از منکر در سطح دستگاه‌های اجرایی حکومت در جهت سوق دادن (امر کردن) سیستم اجرایی به انتصاب افراد صالح و جلوگیری (نهی) از قرار گرفتن امور در دست افراد نااهل می‌باشد موجب حاکم شدن بدترین و نااهل‌ترین انسان‌ها بر رأس امور جامعه خواهد شد که حضرت بدان اشاره کرده‌اند.

واژه «امت» در آیه امر به معروف به گروهی اطلاق می‌شود که بواسطه هدفی مشترک با یکدیگر هماهنگ گشته و با عملکردی منسجم و سازماندهی شده که هر شخص در آن وظایف محوله خود را به درستی انجام می‌دهد گروهی منسجم را تشکیل داده‌اند و این همان قالب سیستمی است که ما برای اجرای اصل گزینش و امر به معروف طرح ریزی می‌کنیم و آیه مورد نظر با به کار بردن این واژه در حقیقت شیوه اجرا این اصل را نیز به ما ارائه داده است

## فصل دوم «ویژگی‌های (ثبوتی) گزینشگران»

صلاحیت

تمامی برگزیدگان الهی شایسته‌ترین انسان‌های زمان خود بودند.

(و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس کل من الصالحین)

و (همچنین) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را همه از صالحان هستند.

پیامبران الهی و همه کسانی که مأمور اجرای دستورات خداوند در بین مردم بودند از میان بهترین انسان‌هایی انتخاب می‌شدند که دارای صلاحیت‌های لازم بودند. تحقق خواسته‌های پروردگار و اجرای قوانین الهی رسالتی است که باید به والاترین افراد از حیث اعتقاد اخلاق و عمل سپرده شود. بنابراین کسانی که در منصب گزینش و یافتن انسانهای صالح و کارآمد برای پیشبرد اهداف پیامبران در جامعه قرار می‌گیرند خود باید جزو والاترین و صالح‌ترین افراد از حیث ایمان، اخلاق و اعمال باشند.

مؤمنان و انجام دهندگان امور صالحه، بهترین و کارآمدترین افراد در هر امری می‌باشند.

(ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه)

آنان که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند آنها به حقیقت بهترین اهل عالمند.

ایمان و عملکرد شایسته، دو شاخصه و دو نشانه بر وجود صلاحیت و شایستگی در انسان‌های برگزیده الهی است که خداوند به واسطه آن، آنان را بر دیگران ترجیح داده و اجرای حدود و ضوابط الهی را به آنان می‌سپارد چرا که آنان به واسطه ایمان و تعبد محض خود نیکوکارترین انسان‌های زمان خود بوده و دستورات الهی را به طور کامل انجام می‌دهند:

سلام علی نوح فی العالمین \* ان کذلک نجزی المحسنین \* انه من عبادنا المؤمنین

سلام بر نوح در میان جهانیان باد! ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! چرا که او از بندگان با ایمان ما بود!

سلام علی ابراهیم \* کذلک نجزی المحسنین \* انه من عبادنا المؤمنین

سلام بر ابراهیم! ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! چرا که او از بندگان با ایمان ما بود!

... سلام بر موسی و هارون! ... سلام بر الیاسین! ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! او از بندگان مؤمن ما است.

(آیات ۱۳۲ و ۱۳۱ و ۱۳۰ و ۱۲۰)

حرکت در مسیر «ایمان» به خداوند و «تعبد» ورزی برگزیدگان الهی در برابر اهداف، خواسته‌ها موازین و قوانین الهی، لیاقت و شایستگی رسیدن به مقام خلیفه الهی و برگزیده شدن را برای آنان به ارمغان می‌آورد.

گزینش کننده ای که می خواهد صلاحیت های لازم اعتقادی، اخلاقی و رفتاری را در افراد مخاطب خود تشخیص دهد خود باید دارای بالاترین صلاحیت های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری باشد تا بتواند از آنچه که خود دارای آن بوده در فرد مخاطب نیز جستجو کند و به بررسی آن بپردازد. لذا یک گزینشگر صالح باید ویژگی های یک انسان مؤمن و متعبد را در خود پیاده کند تا به صلاحیت کامل ایمانی، اخلاقی و رفتاری نائل شود.

#### تعریف انسان صالح

قال رسول الله (ص): علامه الصالح فاربعه: یصفی قلبه و یصلح عمله و یصلح کسبه و یصلح اموره کلها رسول اکرم (ص) می فرمایند: علامت انسان صالح چهار چیز است: قلب خود را صاف و خالص می گرداند، عمل خود را اصلاح میکند، کسب خود را اصلاح می کند، و کلیه امور خود را اصلاح می گرداند

قلب انسان صالح تصفیه شده و خالی از هرگونه شرک، نفاق، شهوت، غضب، بدبینی، کینه، حسد، بی شرمی، بی عفتی و تمایل به انسان های بی ایمان و لاابالی است و مملو از اوصاف نورانی و پاکی و صداقت و محبتی و خوشبینی و معنویت است. عمل انسان صالح اصلاح شده و هیچ نوع خطا و معصیت و حرکت نسنجیده و رفتار غیراسلامی و تصمیم غیر تخصصی و غیرعقلانه در آن یافت نمی شود. کسب او کسب حلال و هر آنچه که از مسائل مادی و مسائل غیرمادی بهره می برد همه پاک و حلال و سالم است. انسان صالح کلیه آموزش اصلاح شده و الگویی کامل در اعتقاد و اخلاق و رفتار برای دیگران است. او بنده محض خداست بنابراین لیاقت دارد به گزینش و بررسی اعمال دیگر بندگان خداوند نیز بپردازد و در مورد صلاحیت آنان قضاوت کند.

صلاحیت دینی با سابقه خراب ایمانی و رفتاری منافات دارد

(الذین ءامنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن و هم مهتدون)

آنانی که ایمان آورده و ایمان خود را به ستمی نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست و هم آنها حقیقتاً هدایت یافته اند انسانی که ایمان و دینداری خود را به هیچ نوع ظلم، انحراف و گناهی چه در اعتقاد و چه در اخلاق و عمل خدشه دار نکرده است دارای ایمانی استوار و صلاحیتی مورد اعتماد و اطمینان است.

اجرای مهم ترین برنامه اسلام (امر به معروف و نهی از منکر) از برنامه های مؤمنین است

(والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون)

مردان و زنان با ایمان، ولی یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می کنند و آنان هستند که رستگار می شوند.

اجرای مهمترین اصل در دین اسلام یعنی امر به معروف و نهی از منکر و تمام شئون مختلف کاربردی آن در سطح جامعه بر عهده مؤمنان و جزو برنامه های تغییرناپذیر آنان می باشد. افراد صالح دارای شهرت و وجهه خوب در میان بندگان الهی هستند

قال علی (علیه السلام): انما یستدل علی الصالحین بما یجری الله لهم علی السن عباده

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: همانا انسان های صالح بوسیله حسن شهرتی که خداوند از آنان بر زبان بندگان خود قرار میدهد شناخته می شوند.

انسان صالح که با داشتن قلبی صاف و نورانی، اخلاقی صحیح و انسانی را از خود در میان مردم و انسان های مؤمن به ارمغان گذارده است و با عملکردهای صحیحی که در عرصه های گوناگون رفتاری، کاری و اجتماعی از خود نشان داده است حتماً دارای وجهه ای خوب و جایگاهی مثبت در میان انسان های مؤمن می باشد.

سابقه هر فرد و عملکرد که هر انسان در عرصه های مختلف از خود بر جای می گذارد به خوبی نشانگر میزان التزام و پایبندی او به ضوابط شرعی و قواعد تعریف شده اسلام برای رفتار و تعامل با دیگران است. اگر انسانی در سه بعد اعتقاد، اخلاق و عمل خود را اصلاح کرده و صلاحیت درونی رسیده باشد حتماً خداوند متعال آشکار و ظاهر او را اصلاح و موجه می گرداند و او را دارای حسن شهرت در میان انسانهای مؤمن خواهد گردانید:

من اصلاح سریریه اصلاح الله علانیه

کسی که نهان خود را اصلاح کند خداوند آشکار او را نیکو می گرداند.

بنابراین راه شناخت افراد صالح حسن شهرت و جایگاه مثبتی است که هر فرد در امور مختلف در زمینه های گوناگون از خود بر جای می گذارد.

ویژگی های انسان های مؤمن

همانطور که اشاره گردید عامل اصلی صلاحیت یافتن برگزیدگان الهی، وجود دو صفت «ایمان» و «تعبد» است؛ لذا مناسب است که در تکمیل این بحث به برخی ویژگی های ایمانی که در منابع دینی ما طرح شده است اشاره ای داشته باشیم، باشد که تمامی گزینش گران به خصائص کامل ایمانی متصف گشته و به الگوئی کامل از دینداری و تعبد مبدل گردند:

الامام علی (علیه السلام): علامه الایمان ان تؤثر الصدق حیث یضرك علی الکذب حیث ینفعک، و ان لایکون فی حدیثک فضل عن علمک، و ان تتقی الله فی حدیث غیرک

امام علی (علیه السلام) میفرماید: علامت ایمان اینست که صدق را برگزینی در جایی که به تو ضرر میرساند بر دروغی که برای تو نفع دارد، و اینکه گفتارت بیش از حد علمت نباشد، و اینکه پروا کنی و خویشتن دارای کنی در مورد گفتار پیرامون دیگران الامام الرضا (علیه السلام): لا یکون المؤمن مؤمناً حتی تکون فیہ ثلاث خصال: سنه من ربه، و سنه من نبیه (صلی الله علیه و آله)، و سنه من ولیه (علیه السلام): فاما السنه من ربه فکتمان السر، و اما السنه من نبیه (صلی الله علیه و آله) فمداراه الناس، و اما السنه من ولیه (علیه السلام) فالصبر فی البأساء و الضراء

امام رضا (علیه السلام) می فرماید: مؤمن مؤمن نمی گردد تا آنکه سه خصلت در او پدیدار گردد: سستی از پروردگارش و سستی از پیامبرش و سستی از مولایش، اما سنت پروردگارش کتمان سر است و سنت نبیش مدارا کردن با مردم و سنت ولیش شکیبائی در سختی ها و مشکلات

الامام الباقر (علیه السلام): انما المؤمن الذی اذا رضی لم یدخله رضاه فی اثم ولا باطل، و اذا سخط لم یخرجه سخطه من قول الحق و المؤمن الذی اذا قدر لم تخرجه قدرته الی التعدی و الی ما لیس له بحق

امام باقر (علیه السلام) میفرماید: همانا انسان مؤمن کسی است که هنگامی که از چیزی خشنود میشود رضایتش او را وارد در معصیت و باطل نمی کند، و هنگامی که از چیزی ناخشنو می گردد نارضایتش او را از گفتار حق خارج نمی سازد، و انسان مؤمن کسی است که هنگامی که قدرتی می یابد قدرتش او را به تجاوز از حدود معین شده و آنچه که حق او نیست نمی کشاند

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): من سرته حسنه و ساءته سیئته فهو مؤمن رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: کسی که کار خوبش، او را شاد و خوشحال کند و کار بدش او را اندوهگین و ناراحت، پس او مؤمن است.

تعهد

مؤمن حقیقی انسانی امانتدار بوده و به وظایف و تعهدات خود به درستی عمل می نماید:

(والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون)

و آنان (مؤمنان) امانتها را رعایت و به عهد و پیمان خود کاملاً وفا می کنند

تعهد، مراقبت در رعایت اصول و ضوابطی است که هر فرد در حیطه کار و وظیفه خود به آن ملتزم می باشد که به عنوان امانت در اختیار او قرار گرفته است. امانت داری تعهدی را می طلبد که فرد امانتدار باید از آن برخوردار باشد؛ اما واگذاری امانت به افراد متعهد و امانت دار که خود تعهدی والا تر و محکم تر را می طلبد تا هیچگاه فرد در شناخت و تشخیص افراد متعهد و واگذاری امانت به آنان دچار هوس، سهل انگاری، سستی و مسامحه کاری نشود. کار گزینش از چنین موقعیتی برخوردار است و گزینش کننده باید به طور صحیح و کامل بر پایه اصول و ضوابطی که به آن پایبند گشته حرکت کند و هیچگاه در اعتقاد و عمل سستی نورزیده و از رعایت خود در اجرای آن اصول نکاهد چرا که کم شدن دقت و توجه در رعایت اصول و ضوابط، آفت بی تعهدی را به امانت داری انسان میزند:

قال علی (علیه السلام): آفة العهود قلة الرعايه

آفت عهدها و تعهدها کم بودن رعایت آن است

عدم اعمال درست ضوابط و بی دقتی و مسامحه کاری در اجرای آن به تدریج تعهد و پایبندی را در رعایت اصول و ضوابط از بین برده و از حساسیت فرد در قبال معیارها مورد در توجه در کار گزینش می کاهد. اما در عوض رعایت صحیح و کامل هر اصل و ضابطه ای، عامل استحکام روحیه و تعهد و امانت داری در آن امر می گردد.

اگر بر این اعتقاد باشیم که اصل دین و تمامی موازین، قوانین و برنامه های دین و همچنین تمامی مناصب حکومتی و امکانات و سرمایه های ملی امانت هایی هستند که باید در دست افراد امانت دار قرار گیرد آنگاه پی خواهیم برد که تمام دین و اصل

دینداری نیز خلاصه در امانت داری و وفای به تعهد در قبال آن است. لذا است امیرمؤمنان علی (ع) یگانه منادی عدل و ایمان می فرمایند:

قال علی (علیه السلام): اصل الدین اداء الامانه و الوفاء بالعهود

اصل دین ادای امانت و وفای به عهد می باشد

اگر با کمی دقت باز هم بخواهیم به این کلام توجهی داشته باشیم درمی یابیم که اگر اصل دین، ادای امانت و وفای به عهد است پس عدم وفای به عهد و ادای درست امانت نیز برخوردار نبودن از اصل دین و پایه دین داری است. لذا باید دقت کنیم که کار امانت داری مساوی با اصل دینداری است و عدم دقت و یا کمی دقت در آن منجر به خدشه دار شدن اصل دینداری ما خواهد شد. عرصه گزینش عرصه مواجهه با اصل دین و تمام دینداری است و یک گزینش گر در کار گزینش با اصل دین سروکار دارد و در صورت کم دقتی و سهل انگاری و بی تعهدی در کار، ریشه و اصل دینداری خود را به خطر نیز می اندازد و این مسئله ای است که به مرور زمان نمایان خواهد شد نه در ابتدای سهل انگاری و بی تعهدی که ممکن است هر کس به مقداری دچار آن گردد.

و این را هم معتقد باشیم که واگذار کردن امانت های ملی و مردمی به دست افرادی که در امانت داری فردی و ایمانی خود دچار ضعف و نقصان می باشند، تحویل امانت به افرادی است که در اصل دینداری خود دچار ضعف و مشکل هستند پس چه رسد در حفظ آرمان های دینی و ملی یک کشور و جامعه؛ و ملاک شناخت این افراد نیز تنها اعمال عبادی و یا ظاهر موجه آنان نمی تواند باشد چرا که ممکن است ...

عقلانیت

(قل لایستهوی الخبیث و الطیب و لو اعجبک کثره الخبیث فاتقوا الله یا اولی الالباب لعلکم تفلحون)

بگو: (هیچ گاه) ناپاک و پاک مساوی نیستند؛ هرچند فزونی ناپاکها، تو را به شگفتی اندازد! از (مخالفت) خدا بپرهیزید ای صاحبان خرد، شاید رستگار شوید!

عقلانیت لازمه اصلی کار گزینش است. عقلانیت، فهم صحیح، دقیق، کامل و همه جانبه از واقعیت هاست. دیدگاهی است عالمانه، متعادل و منصفانه به مسائل پیش رو. عقلانیت دینی نشأت گرفته از علم و فهم صحیح دینی و آگاهی همه جانبه از قواعد، ضوابط و معیارهای اسلامی است که در مسائل گوناگون از طرف دین برای انجام صحیح امور ارائه شده است.

آیه موردنظر نکته ای عاقلانه را در این باب در زمینه تفاوت پاکی و کثیفی و عدم مساوی بودن انسان پاک و ناپاک مطرح می سازد. شیوه بیان آیه هم شیوه ای کاملاً عاقلانه است چرا که نه به تبیین عقلانیت و ترسیم انسان عاقل می پردازد و نه به اثبات تفاوت های پاکی و ناپاکی و فرد پاک و ناپاک، چرا که اینها از مواردی است که برای افراد عاقل اثبات شده و حل شده است؛ بلکه به یک تذکر عاقلانه و هشدار خردمندانه اشاره می کند که این هشدار نقطه ای حساس و لغزان برای یک انسان عاقل است: فرد عاقل باید همیشه بر این اصل معتقد بماند که فرد پاک و ناپاک هیچگاه با هم مساوی نمی شوند اگرچه کثرت افراد ناپاک در عرصه های مختلف جامعه ذهن غیرعاقلانه هر فردی را تحت الشعاع خود قرار داده و اذهان افراد بسیاری را دچار استحاله و مسامحه کرده و رفتار آنان را به مدارا و سهل انگاری کشانده باشد. حقیقت ثابت است و تغییر نمی کند.

این مسئله واقعیت بسیار مهمی است که در مرور زمان و با بوجود آمدن انحرافات و چالش های فرهنگی پیش رو میتواند به چالشی بزرگ برای یک گزینش گر و تفکرات عاقلانه او تبدیل شود؛ چرا که انحرافات فراگیر و ضعف های اعتقادی و اخلاقی عموم جامعه که با گذر زمان برای عده ای به صورت یک حالت عادی و یک مرامی عمومی درمی آید به مرور زمان نیز، حساسیت های اعتقادی و ارزشی آنان را با خود به استحاله و مدارا می کشاند.

لذا اگر چه یک گزینشگر عاقل باید در کنار درک صحیح و عمیق از مسائل جامعه، رأفتی اسلامی و اخلاقی محبت آمیز و انسان ساز را در روابط فردی و تعاملات اجتماعی از خود نشان دهد، اما این مسئله هیچگاه نباید دلیلی بر مسامحه و مدارا کردن او در مسائل حکومتی و مدیریتی جامعه که جای هیچگونه رأفت و ترحم اسلامی در آن نیست شود. بنابراین اندیشه گزینشگر عاقل در مواجهه با تبلور فرهنگ های انحرافی و مشاهده فساد و تباهی ایمان و اعتقادات دینی در جامعه باید اندیشه و بینشی راسخ و تغییرناپذیر بوده و با مشاهده کثرت این افراد، مذاق شخصیتی او تغییر نیافته و در نظر او این گونه افراد مساوی با انسان هایی نشوند که جو حاکم بر زمانه هیچ تأثیری و رنگی بر آنان نداشته و پاکی اعتقاد و رفتار در آنان هنوز هم به قوت خود پابرجا می باشد.

گزینش گران باید همیشه در جریان تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه بوده و با ویژگی های فرهنگی اجتماعی زمانه خود کاملاً آشنا باشند تا در چالش فکری این هجمه نیفتند شناخت صحیح و اطلاع کامل از مسائل فرهنگی

اجتماعی جامعه منجر به آن میشود که فرد از قافله فهم صحیح و به رو زمسائل عقب نباشد و با تحلیلی درست به گزینش افراد داوطلب اقدام کند. این یک ضرورت قطعی و لازم است که امام صادق (ع) در زمینه آن می فرمایند:

العالم بزمانه، لا تهجم علیه اللوابس

شخص عالم و آگاه به مسائل، ویژگی ها و رویدادهای زمانه خود، هیچ گاه شبهات در چهره های نامعلوم بر او هجوم نمی آورد  
تعریف انسان عاقل

قیل له (علیه السلام): صف لنا العاقل فقال (علیه السلام): هو الذی یضح الشیء مواضعه، فقیل فصف لنا الجاهل فقال (علیه السلام):  
قد فعلت

به امیر المؤمنین (علیه السلام) گفته شد که عاقل را برای ما وصف کن فرمودند: او کسی است که هر چیزی را در جایگاهش قرار میدهد گفتند جاهل را هم وصف کن فرمودند: وصف کردم

مهمترین نیاز کار گزینش عقلانیت است. تمامی تجربه ها، روش ها، ضوابط و نیروهای تشخیصی و تحلیلی یک گزینش گر و اطلاعات موجود او باید تحت قدرت عقلش به حرکت درآید. حرکت غیرعقلانی، گزینش گر را در تحلیل و ارزیابی گزینش شونده به طرف افراط، تفریط، پیش داوری، خوش بینی، بدبینی و یا تشابه کردن به دیگران سوق میدهد. براساس حدیث فوق تنها یک گزینشگر عاقل به درستی میتواند تشخیص دهد که فرد پیش روی او معیارهای لازم شغل و یا منصف مورد نظر را دارا است یا نه؟ چرا که او به خوبی آگاه است که هر شغل و موقعیت نیازمند چه ویژگی های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری بوده و فرد متناسب آن شغل باید چه ویژگی هایی را دارا باشد.

علامت انسان جاهل

قال علی (علیه السلام): لا یری الجاهل الا مفرطاً او مفرطاً

امام علی (علیه السلام) فرمودند: نادان را یا تندرو یا کند رو می بینی

چند نکته پیرامون عقلانیت

الف) عامل افزایش عقلانیت

الامام علی (علیه السلام): العقل غریزه تزیید بالعلم و التجارب

امام علی (علیه السلام) میفرمایند: عقلانیت غریزه ایست که به واسطه علم و تجربه ازدیاد می یابد

کسب علم و تجربه در کار برای افزایش قدرت فهم و درک قوی مسائل ضرورتی اجتناب ناپذیر است چرا که تشخیص حق و باطل در گرو عقل فراوان است.

الامام الباقر (علیه السلام): ما بین الحق و الباطل الاقله العقل

امام (علیه السلام) میفرمایند: هیچ فاصله ای میان حق و باطل نیست مگر کمبود عقل

هرچه فهم و آگاهی گزینش گر از جزئیات موضوع پیش رویش بیشتر و دقیق تر باشد و در تحلیل مسائل پیرامونی آن موضوع از تجربه بیشتری برخوردار، تشخیص او نیز میان حق و باطل در موضوع موردنظر به واقعیت نزدیکتر خواهد بود. فهم والاتر و فکر عاقلانه تصورات و برداشت های گزینش کننده را به واقعیت نزدیکتر میسازد.

ب) عقلانیت هر فرد در ادب او نمایان می گردد

الامام علی (علیه السلام): الادب صوره العقل

امام علی (علیه السلام): ادب صورت نمایان عقل است

نشانه های عقلانیت در انسان صاحب خرد و اندیشه دینی در ادب او نمایان است. اولین و زیباترین موهبتی که عقل و فهم صحیح به ارمغان می آورد ادب است. در سایه ادب هر ارتباطی شیرین و زیبا و هر تعاملی علاوه بر به همراه داشتن عفت و حیا نتیجه ای سازنده و ثمربخش را به دنبال دارد. یک گزینش عاقلانه نیز به علت برخوردار بودن از موهبت ادب، گزینشی موفق و خوشایند برای هر دو سوی فرآیند گزینش یعنی گزینشگر و داوطلب خواهد بود.

ادب در نگاه، ادب در کلام، ادب در برخورد، ادب در قضاوت، ادب در مصاحبه، ادب در تحقیق و ادب در نظردهی فرآیند گزینش را فرآیندی عاقلانه و قضاوتی عقیقانه و مؤدب و باحیا می سازد؛ این نوع گزینش هر نوع شبهه، نارضایتی، بدبینی و انحراف را در مسیر خود از میان برده و گزینش گر را با رویه ای صحیح، دقیق و پاک به نتیجه میرساند. اگر به موهبت عقل و ادب نائل شویم و آنرا با کار خود همراه کنیم به این واقعیات دست خواهیم یافت.

ج) تفکر راهنمای کار عاقلانه است

الامام الکاظم (علیه السلام): دلیل العاقل التفکر، و دلیل التفکر الصمت



امام کاظم (علیه السلام): راهنمای عاقل فکر کردن است و راهنمای تفکر سکوت عاقلانه

(د مشورت ایزار اجتناب ناپذیر انسان عاقل است.

الامام علی (علیه السلام): لا یستغنی العاقل عن المشاوره

امام علی (علیه السلام) میفرماید: انسان عاقل هیچگاه از مشورت بی نیاز نمی شود.

عقلانیت حکم می کند که برای یافتن نقاط نامعلومی که ممکن است از نگاه عقل و دیدگاه فردی یک گزینشگر مخفی بماند، موضوع در معرض نظر دیگران هم قرار گرفته تا از جوانب موضوع موردنظر در بستر عقل جمعی شناختی جامع به دست بیاید. مسلماً چنین نتیجه ای به واقعیت و صواب نزدیک تر خواهد بود.

ه) عواملی تضعیف کننده، تخریب کننده و انحراف دهنده تعقل در انسان

۱. آرزو

الامام علی (علیه السلام): ان الامل یذهب العقل

همانا آرزو عقل را با خود می برد.

۲. هوی و هوس

عنه (علیه السلام): آفه العقل الهوی

آفت از بین برنده عقلانیت هوس است.

۳. تکبر

عنه (علیه السلام): شر آفات العقل الکبر

بدترین آفت های عقل تکبر داشتن است.

۴. دنیاطلبی

عنه (علیه السلام): حب الدنيا یفسد العقل و یهیم القلب عن سماع الحکمه و یوجب الیم العقاب

حب دنیا و دنیاطلبی عقل را فاسد و قلب را از شنیدن حکمت ها مانع و موجب عذاب دردناک عقبی می شود.

و) ثمرات عقلانیت

۱. مدارا کردن با مردم

الامام علی (علیه السلام): ثمره العقل مداراه الناس

امام علی (علیه السلام): ثمره عقل مدارا کردن با مردم است.

۲. ابراز محبت به مردم

الامام الکاظم (علیه السلام): التودد الی الناس نصف العقل

امام کاظم (علیه السلام): ابراز محبت دوستی با مردم نصف عقل است.

۳) بالاترین ظرفیت

الامام علی (علیه السلام): بغور العقل یتوفر الحلم

امام علی (علیه السلام): با ازدیاد عقل ظرفیت و بردباری در انسان افزایش می یابد.

تکته ای که در این بخش لازم است تذکر داده شود اینست که شیوه مدارا کردن و ابراز محبت و دوستی نسبت به مردم در مناسبات اداری و ضوابط قانونی غیر از چیزی است که باید در روابط فردی و خانوادگی و در مناسبات دوستانه اعمال می شود. مدارا کردن و ابراز دوستی با مردم، به شیوه صحیح تعامل با آنان و حل منصفانه مسائل آنها مربوط می شود که فرد باید در نهایت تلاش و توان خود در حیطه اختیارات و ضوابط قانونی مسائل آنان را رسیدگی کرده و برای آنان کارگزاری خوشرو و نرم خو باشد. این مفاهیم هیچگاه در محدوده مناسبات حکومتی و اداری با زیر پا گذاشتن قوانین و ضوابط به بهانه مدارا و دوستی با مردم و دوستان معنا نمی یابد.

ز) نشانه ادب انسان عاقل

کفی ادبا لنفسک تجنبک ما کرهته لغيرک

تو را در ادب کردن نفس خود همان بس که از آنچه انجام دادنش را برای دیگران نمی پسندی خود پرهیزی.

آخرین نکته از این بحث تکته ای عاقلانه، اخلاقی و مؤدبانه است که کاملاً با کار گزینش مرتبط می باشد. ادب عاقلانه حکم می کند که فردی که گزینش کننده افراد گوناگون بوده و به بررسی خصایص و نقایص آن پرداخته و با رؤیت نقاط ضعف در آنان ناخشنود شده و کراهت می یابد، برای خودش نیز چیزهایی که برای دیگران نمی پسندد ناپسند دانسته و از آنها پرهیز

کند. چنین تعاملی که یک فرد عامل و متخلق به اخلاق حسنه و نیک با دیگران دارد، تعاملی سازنده و تأثیرگذار برای مخاطبین او خواهد بود.

صاحب اخلاق کریمه

(و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما)

و بندگان خاص خدای رحمان آنان هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند و هرگاه مردم جاهل به آنها خطاب (و عتابی) کنند با سلامت نفس (و زبان خوش) جواب دهند.

بندگان خداوند رحمان که رأفت و رحمانیت الهی در اخلاق و رفتار آنان تجلی یافته است صاحب اخلاقی کریمانه و منشی متواضعانه هستند. تواضع و نرم خوئی درمنش و برخورد و حلم و ظرفیتی والا در مواجهه با افراد نادان از ویژگی های اخلاق کریمانه آنان است.

اخلاق مجموعه موضع گیری های هر فرد در قبال افراد، مسائل و موضوعات گوناگون است. آدمی در مسائل فردی و اجتماعی خود در قبال هر چیز، هر فرد و هر موضوعی، موضعی خاص از خود نشان میدهد که مجموعه این موضع گیری مبین اخلاق فردی اوست که یا انسانی است و الهی و یا غیرانسانی و غیرالهی. انسانی که اعتقاد و بینش او الهی و انسانی است اخلاق او نیز کریمانه و الهی است و فردی که بینشی غیرالهی و غیرانسانی دارد ویژگی های آن بینش هم در موضع گیری های او نمایان است؛ لذا خلق کریمانه نشأت گرفته از بینش و معرفتی الهی گونه و انسان دوستانه است که تعاملی صحیح و عاقلانه را با افراد برقرار می سازد.

در کار گزینش که انسان با مجموعه ای از افراد گوناگون با روحیات و افکار مختلف سروکار می یابد، نوع «بینش» و «تعامل» گزینش کننده فرآیند کار گزینش را شکل می دهد. فرآیندی که صرف نظر از نتیجه و تعیین صلاحیت مخاطب آن، میتواند فرآیند سازنده و اخلاقی باشد.

اخلاق کریمانه و موضع گیری الهی و انسان دوستانه در هر سه بخش نگاه به داوطلب، تعامل با داوطلب و نظردهیدر مورد داوطلب مورد نیاز در کار گزینش است.

پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) از آن جهت که الگو واسوه هر مؤمن و مسلمانی هستند برای یک فرد مؤمن، چند ویژگی را برمی شمارد که به آنها اشاره می کنیم:

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): ثلاث من لم تکن فیه فلیس منی ولا من الله عزوجل، قیل یا رسول الله و ما هن؟ قال: حلم یرد به جهل الجاهل و حسن خلق یعیش به فی الناس و ورع یحجزه عن معاصی الله

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) میفرماید: سه چیز است که اگر در کسی نباشد نه از من است و نه از خداوند عزوجل گفته شد چیست آن سه چیز ای رسول خدا؟ فرمود: ظرفیت و تحملی که بتواند بوسیله آن جهل جاهل را رد کند، اخلاق نیکی که بوسیله آن میان مردم زندگی کند، و ورعی که بوسیله آن از معاصی الهی نگه داشته شود

حلم و ظرفیت، اخلاق نیک و ورع مهمترین نیازهای اخلاقی هر فرد مسلمان در روابط فردی و اجتماعی و رفتارهای مختلف اوست تا نشانه های اخلاق نبوی را در او جاری سازد.

چند رهنمود اخلاقی

قالی علی (علیه السلام): التقی رئیس الاخلاق

امام علی (علیه السلام) فرمودند: تقوا در رأس همه ارزش های اخلاقی است.

قال علی (علیه السلام): من اصلح سریره اصلح الله علانیه و من عمل لدینه کفاه الله امر دنیاه و من احسن فیما بینه و بین الله احسن الله ما بینه و بین الناس

امام علی (علیه السلام): کسی که نهان خود را اصلاح کند، خدا آشکار او را نیکو گرداند، و کسی که برای دین خود کار کند، خدا دنیای او را کفایت فرماید، و کسی که میان خود و خدا را نیکو گرداند، خدا میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد

قال علی (علیه السلام): الحلم غطاء سائر و العقل حسام قاطع فاستر خلل خلقک بحملک و قاتل هواک بعقلک

امام علی (علیه السلام): بردباری پرده ای است پوشاننده، و عقل شمشیری است برآن، پس کمبودهای اخلاقی خود را با بردباری بپوشان، و هوای نفس خود را با شمشیر عقل بکش.

فضل

تمامی پیام آوران الهی و آنانی که رسالت اجرای برنامه های الهی را بر عهده داشتند از برترین انسان های زمان خود و صاحبان فضائل والای انسانی و ایمانی بودند:

(و اسماعیل و الیسع و یونس و لوطا و کلا فضلنا علی العالمین)

و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط را؛ و همه را بر جهانیان فضیلت و برتری دادیم.

نظام ارزشی گزینش که والاترین اهداف دین مبین اسلام که همان سپردن امانتهای الهی به دست افراد دارای صلاحیت است را بر عهده دارد خود باید دارای مجموعه ای از افراد با فضیلت باشد. گزینش کننده ای که میخواهد صلاحیت های اعتقادی و اخلاقی افراد را مورد بررسی و تأیید قرار دهد خود باید دارای صلاحیت هایی برتر و فضیلت هایی والاتر از دیگران باشد تا بتواند به گزینش و ارزیابی صلاحیت ها و ویژگی های افراد بپردازد.

راه رسیدن به فضائل الهی و انسانی، یافتن حقیقت والای انسانی و کشف ارزش های درونی است که خداوند متعال به هر انسانی عطا کرده است.

کسی که ارزش وجودی خود را بیابد شهوات و هوس های غیرانسانی نزد او خوار خواهد شد:

قال علی (علیه السلام): من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته

فرمود: کسی که خود را گرامی دارد، هوا و هوس خود را خوار شمارد.

فردی که ارزش وجودی خویش و ارزش خصایص والای انسانی را نیافته است هیچگاه هم به ارزش های درونی افراد دیگر پی نخواهد برد و این اصلی است که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به آن اشاره دارند:

فان الجاهل بقدر نفسه یکون بقدر غیره اجهل

آن که از شناخت قدر خویش عاجز و به ارزش خود جاهل است، در شناخت قدر و ارزش دیگران جاهل تر است.

توجه به مسائل روز

دنباله روی از راه پیام آوران الهی و تلاش در جهت تحقق آرمان های اجتماعی آنان، نیازمند بصیرتی عمیق و شناختی جامع از شرایط زمانه، ویژگی های فکری و فرهنگی حاکم بر جامعه و آشنایی با راهکارها و شیوه های اجرای اهداف و آرمان های دینی می باشد.

موفقیت آرمان های دینی و مذهبی نه تنها از سویی منوط به دانش دینی مجریان آن بوده بلکه از سوی دیگر وابسته به آگاهی دقیق و درست آنان از شرایط و مسائل روز جامعه است.

پیامبر مکرم اسلام (ص) در تبیین حرکت خود در مسیر تبلیغ و اجرای ارزش های دینی در جامعه و همینطور نوع حرکت پیروان خود در اجرای این اهداف از زبان الهی می فرماید:

(قل هذه سیبلی ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی و سبحان الله و ما انا من المشرکین)

بگو: «این راه من است، من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم! منزّه است خدا و من از مشرکان نیستیم!»

ایشان نوع حرکت خود را بر پایه بصیرت دینی و شناخت کامل از شرایط و مسائل زمانه برمی شمارند و پیروان واقعی خود را هم کسانی معرفی می کنند که براساس بصیرتی کامل نسبت به راه، هدف و مردم و مسائل زمانه، به پیروی و تلاش در جهت آرمان های الهی اقدام می نمایند. امام صادق (ع) نیز یکی از نیازهای خواص جامعه را در دیدگاهها و حرکت اجتماعی شان، آگاهی آنان از مسائل روز جامعه برشمرده و آنرا موجب عدم واماندگی آنان در برخورد با رویدادها و پدیده های نوظهور جامعه می دانند:

قال الامام الصادق (علیه السلام): العالم بزمانه، لا تهجم علیه اللوابس

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: شخص عالم و آگاه به مسائل روز و ویژگی ها و رویدادهای زمانه خود، هیچ گاه شبهات و نامعلوم ها بر او هجوم نمی آورد.

شناخت افکار موجود در جامعه، انواع گروه های مختلف اجتماعی، فسادها و انحرافات اجتماعی، روش ها و ترفندهای گروهک های نفوذی استکبار و نیروهای داخلی آنان، از جمله آگاهی های مورد نیاز گزینش گران در کار گزینش نیروهای انسانی است.

ویژگی های (سلبی) گزینش گران

تنگ نظری، تندخوئی

هر یک از صفات سلبی ذکر شده در فرمان حضرت امام (ره) که گزینش گران را از متصف شدن به آن صفات برحذر داشته اند، میتواند عامل مؤثر در انحراف و اشتباه در نوع دیدگاه و عملکرد آنان باشد.

تنگ نظری نگاه یک گزینش گر را محدود کرده و موجب بی توجهی به جنبه های مثبت فرد مخاطب و عدم واقع نگری و تعادل در مواجهه با خصوصیات خوب او است که این خصلت ممکن است خود برآمده از اوصاف ردیله ای همانند بخل، حسادت، غرور، کبر بوده باشد که از گذشته در فرد گزینش گر جمع بوده و در مواجهه با مصادیق خارجی نمود یافته است. نگرشی که هر فرد تربیت نشده ای ممکن است در مواجهه با مصادیق بیرونی، امکانات و نعمت ها از خود بروز دهد:

(قل لو انتم تملکون خزائن رحمة ربی اذا لامسکم خشية الاتفاق و کان الانسان قتورا)

بگو: «اگر شما مالک خزائن رحمت پروردگار من بودید. در آن صورت، (بخاطر تنگ نظری) امساک می کردید، که مبادا اتفاق مایه تنگدستی شما شود» و انسان تنگ نظر است!

گزینش برقراری یک ارتباط انسانی با فردی است که با نیت حضور در ارگان های اجرایی از یک دولت اسلامی خود را در معرض بررسی شخصیت، اعتقادات، اخلاق و رفتار، توسط یک ارگان مذهبی به نام گزینش قرار میدهد. حال اگر در این میان فرد با برخوردهای غیرانسانی و دیدگاه ها و موضع گیری های غیرعقلانی از سوی مجریان امر گزینش که قصد بررسی صلاحیت او را دارند نیز مواجه شود، به نظر شما با چه دیدگاهی از آن مرکز و یا از میز مصاحبه خارج خواهد شد؟ آیا تصور حضور در یک ارگان حکومت اسلامی از یک سوی، توقع برخورد با انسانی خوش برخورد، فهیم و منصف از سوی دیگر، و همچنین مسئله ارزیابی شخصیت، فکر و رفتار شخصی که مورد انزجار هر فردی می باشد نیز از سوی و مواجهه با مواضع غیرعقلانه، سوالات نامربوط و حالت تندخویی و تنگ نظرانه نیز از سوی دیگر، چه دیدگاهی را در نظر این فرد نسبت به نظام گزینش، افراد مذهبی و همچنین حکومت و دولت ایجاد می کند؟

آیا به گزینش گری که توان ارائه منشی انسانی و اخلاقی کریمانه و مواضعی عاقلانه را در برخورد با داوطلبان ندارد میتوان حکم انسان عاقل، با تدبیر و صاحب اخلاق را داد که جلسه مصاحبه با یک داوطلب را با جلسه بازجویی یک انسان گنهکار در دادگاه اشتباه گرفته و بواسطه غلبه حالات نفسانی که آن را نیز با تعصبات مذهبی اشتباه گرفته است، میخواهد با حالاتی که بعضاً از عقده های درونی و یا افکار و ذهنیات ناموزون نشأت گرفته با فرد داوطلب برخورد کند؟ یا آنکه او در مواجهه با یک انسان به اصطلاح روشنفکر و امروزی قرار گرفته است و می خواهد تصورات و اعتقادات دینی خود را که خداوند به او ارزانی داشته به او تفهیم کرده و به اثبات او برساند؟

در ارگان های دولتی برخورد با مراکز گزینش و افراد گزینشی اولین مواجهه داوطلبین با یک ارگان ارزشی و افراد دارای وجهه مذهبی است که میتواند چهره ای خوب و یا تصویری بد را برای آنان ترسیم سازد.

لذا چه بسیار نیکو است که افراد داوطلب در بدو ورود از سوی کارگزاران نظام ارزشی گزینش با اخلاق زیبای اسلامی مواجه شوند تا برخورد نرم و مقتدرانه آنان چهره درستی از اسلوب صحیح رفتار اسلامی را پیش روی آنان قرار دهد. اثرات عمیق این نوع برخورد بر رفتار کاری آینده داوطلب تأثیرگذار خواهد بود.

برخورد کریمانه و مهربانانه یک گزینشگر در حین مصاحبه نیز که باید با استحکام و عدم خوشبینی ساده انگارانه او همراه باشد در صورتی که داوطلب در آن با رد صلاحیت خود نیز مواجه شود خاطره ای خوش از برخوردی درست که مطابق با ارزش های دینی و انسانی و کاملاً واقع گرایانه و غیرقابل خدشه برای او بوده است را در ذهن و قلب او به یادگار میگذارد.

لذا است که در کار حساس گزینش نیروهای انسانی، خصلت تندخویی و تنگ نظری و انواع مواضع ضد ارزشی، شیوه های کاملاً نادرستی است که نه تنها برای فرآیند گزینش هیچ نتیجه ای نخواهد داشت بلکه اهداف موردنظر گزینشی را نیز بر هم خواهد زد؛

ما گزینش کنندگان میتوانیم با ایجاد تعاملی اسلامی و انسانی با افراد و برقراری رابطه ای سازنده و خوب با آنان، سرمایه ای اخلاقی و انسانی را در آنها به ودیعه گذاریم.

سهل انگاری و مسامحه کاری

قال علی (علیه السلام): لا یقیم امر الله سبحانه الا من لا یصانع و لا یضارع و لا یتبع المطامع

امام علی (علیه السلام) میفرماید: فرمان خدا را بر پا ندارد، جز آن کس که در اجرای حق مدارا نکند، سازشکار نباشد، و پیرو آرزوها نگردد.

قال علی (علیه السلام): من اطاع التوانی ضیع الحقوق

امام علی (علیه السلام) می فرماید: هر کس تن به سستی دهد، حقوق را پایمال کند.

امام علی (ع) شرط اقامه امر خداوند و تحقق آرمانهای دینی و پایمال نشدن حقوق انسان ها را عدم مسامحه، مدارا و سهل انگاری از سوی مجریان امر میدانند. ضوابط و موازین دینی و حقوق و برنامه های الهی تنها در صورت اجرای صحیح و کامل محقق خواهند شد.

اینکه فردی با مرور زمان و در مسیر بعضی فرسایش های عقیدتی در جامعه حساسیت خود را نسبت به بعضی بی اعتقادی ها، معصیت ها و سهل انگاری های دینی و ایمانی جامعه از دست بدهد و همگام با سستی و استحاله اعتقادی و معنوی موجود، سست و سهل انگار و مسامحه کار شود بزرگترین خطر برای یک نظام کنترلی و مراقبتی مانند نظام گزینش است که شاخصه های آن باید بدون ضعف و خرابی به تصفیه و گزینش داوطلبان پردازد.

سهل انگاری و مسامحه کاری در اعمال ضوابط، نتیجه سستی در ایمان و استحاله در عقیده بر اساس همان آیه تعقل مبنی بر یکسان شدن جایگاه فرد خبیث و طیب در نظر فرد گزینشگر می باشد که در عمل او به صورت مدارا و سهل انگاری نمود یافته است. فرد مسامحه کار و سهل انگار بواسطه سستی اعتقاد و از بین رفتن حساسیت های ایمانی خود ممکن است به راحتی دچار خیانت و ظلم شود.

فردی که با موازین و روش های دینی در برنامه های اجرایی آشنا بوده اما در مرحله انجام کار، به توجیه و اعمال زمان بندی و یا به روشهای غیربومی و غیراسلامی دست میزند به غیر از مسامحه کاری در فکر و عقیده و سستی در عمل چه عامل دیگری میتواند داشته باشد.

اگر یک گزینش کننده بر اثر سستی ایمان و از بین رفتن حساسیت های اعتقادی به راحتی به خود اجازه دهد که پلیدی و فسادهای یک فرد بی اعتقاد را نادیده گرفته و یا به خاطر میل، درخواست و یا فشار یک دوست یا مدیر ارشد حکم صلاحیت را برای آن فرد صادر کند و در توجیه آن اظهار دارد که: «ای باب حالا فقط نماز نمی خواند مگر همه در این مملکت و اداره جات آن نمازخوان هستند، بین بعضی از آنهايي که نمازخوان هستند چه کارها که نمی کنند» غافل از آن است که خود نیز با این گفته و این کار دست به انجام بزرگترین ظلم و خیانت به خداوند، دین، ائمه و مردم کشورش زده است و فردی لاابالی را بر اموال، نوامیس و امانت های جامعه اسلامی حاکم گردانیده و با این کار به آینده اسلام، مردم، کشور و اهداف پروردگارش خیانت کرده است. او با این عمل آتش عذاب الهی را برای خود خریده و خویش را مستحق لعنت دیگران در دنیا و آخرت میکند. این نتیجه سستی اعتقاد و سهل انگاری از فکر و اراده و عمل است.

الامام علی (علیه السلام): لاترخصوا لانفسکم فتنهوا، و لاتدهنوا فی الحق فتخسروا

امام علی (ع) میفرمایند: به خودتان اجازه ندهید که مدارا کنید، و مدارای در حق نکنید تا زیان ببینید

عنه (علیه السلام): لاتدهنوا فی الحق اذا ورد علیکم و عرفتموه فتخسروا خسرا مبینا

امام علی (ع) می فرمایند: هنگامی که حق بر شما وارد میشود و شما حق را شناخته و تشخیص میدهید در آن مدارا و مسامحه نکنید که زیان آشکاری خواهید دید

عنه (علیه السلام): لا تأخذکم فی الله لومه لائم، یکتفکم الله من ارادکم و بنی علیکم

امام علی (ع) میفرمایند: در راه خدا سرزنش هیچ سرزنش کننده ای شما را فراتگیرد، که خداوند شما را در برابر کسی که اراده بدی نسبت به شما داشته باشد و بر علیه شما ستم روا دارد کفایت خواهد کرد

## فصل سوم «ویژگی های گزینش شوندگان (کارگزاران امور حکومتی)»

افراد صالح

در این بخش منظور از انسانهای صالح افرادی هستند که صلاحیت های لازم اعتقادی، اخلاقی و تخصصی را برای در اختیار گرفتن یک پست و یا یک شغل حکومتی از نظر معیارهای تعریف شده در دین دارا می باشند.

ارزیابی این واژه نیازمند بررسی تعریفی است که از این صفت در منابع دینی ما آمده است. پیامبر اکرم (ص) در تعریف انسان صالح می فرماید :

علامه الصالح فاربعه: یصفی قلبه و یصلح عمله و یصلح کسبه و یصلح اموره کلها

رسول اکرم (ص) می فرمایند: علامت انسان صالح چهار چیز است: قلب خود را صاف و خالص می گرداند، عمل خود را اصلاح میکند، کسب خود را اصلاح می کند، و کلیه امور خود را اصلاح می گرداند .

صاف بودن قلب، درست بودن اعمال، اصلاح کسب، و صالح بودن کلیه امور فرد چهار معیار در صالح بودن فرد است. این چهار شاخصه به نسبت موضوعی که در نظر گرفته می شود مورد بررسی قرار می گیرد.

منظور از صالح بودن یک داوطلب سلامت و صداقت نیات و انگیزه های او برای کار مورد نظر و همچنین سلامت و تناسب داشتن خصوصیات، اعمال، رفتار و ویژگی های او با شغل مورد نظر و ویژگی های مورد نیاز در آن می باشد.

امیرالمؤمنین علی (ع) در مسائل حکومتی برخی را فاقد صلاحیت های لازم در به دست گرفتن مشاغل و مناصب حکومتی میداند و می فرماید :

و قد علمتم انه لا ينبغي ان يكون الوالي على الفروج والدماء و المغانم و الاحكام و امامه المسلمين البخيل فتكون في اموالهم نهمة و لا الجاهل فيضلمهم بجهله و لا الجافي فيقطعهم بجفائه و لا الخائف للذول فيتخذ قوماً دون قوم و لا المرتضى في الحكيم فيذهب بالحقوق و يقف بها دون المقاطع و لا المعطل للسنة فيهلك الامه

همانا شما دانستید که سازوار نیست بخیل بر ناموس و جان و غنیمت ها و احکام مسلمین، ولایت و رهبری یابد، و امامت مسلمین را عهده دار شود، تا در اموال آنها حریص گردد، و نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود ملمانان را به گمراهی کشاند، و ستمکار نیز نمی تواند رهبر مردم باشد، که با ستم حق مردم را غصب و عطاهای آنان را قطع کند، و نه کسی که در تقسیم بیت الماس عدالت ندارد زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل می کند و گروهی را بر گروهی مقدم می دارد، و رشوه خوار در قضاوت نمی تواند امام باشد زیرا که برای داوری با رشوه گرفتن حقوق مردم را پایمال، و حق را به صاحبان آن نمی رساند، و آن کس که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ضایع می کند لیاقت رهبری ندارد زیرا که امت اسلامی را به هلاکت می کشاند .

صلاحیت های لازم در امور مختلف حکومتی

(الف) قدرت و بصیرت و ویژگی های لازم برای رهبری جامعه

(واذکر عبادنا ابراهیم و اسحاق و یعقوب اولی الایدی و الابصار و انهم عندنا لمن المصطفین الاخیار)

و به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحبان دستها (ی نیرومند) و چشمها (ی بینا) و آنها نزد ما از برگزیدگان و نیکانند !

(ب) مشروعیت الهی و امانت داری دو شرط لازم در واگذاری مدیریت انسان ها و امور اجتماعی آنان

(ان ادوا الی عبادالله انی لکم رسول امین)

(و به آنان گفت): امور بندگان خدا را به من واگذارید که من فرستاده امینی برای شما هستم !

(ج) توانمندی و امانت داری، دو ویژگی عمومی برای استخدام و بکارگیری افراد در امور مختلف

(قال احدهما یابت استئجره ان خیر من استئجرت القوی الامین)

یکی از آن دو گفت: پدرم او را استخدام کن زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد .

(د) وسعت دانش، تجربه و توانمندی جسمی سه شرط لازم در فرماندهی کارهای بزرگ اجرایی

(و قال لهم نبیهم ان الله قد بعث لکم طالوت ملکاً قالوا انی یکون له الملك علينا و نحن احق بالملك منه و لم یؤت سعه من

المال قال ان الله اصطفاه علیکم و زاده بسطه فی العلم و الجسم و الله یؤتی ملکه من یشاء و الله واسع علیم)

و پیامبرشان به آنها گفت: خداوند طالوت را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است. گفتند: چگونه او بر ما حکومت

کند، با اینکه ما از او شایسته تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟! گفت: خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، و

سعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می بخشد؛ و احسان خداوند، وسیع است؛ (و از لیاقت افراد برای

منصب ها) آگاه است .

ویژگی های انسان های صالح

(الف) ایمان به خدا و روز قیامت، امر به معروف و نهی از منکر، سرعت در کارهای نیک، از خصوصیت های انسان های صالح

است .

(یؤمنون بالله و الیوم الآخر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین)

ایمان به خدا و روز قیامت می آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند؛ و در انجام کارهای نیک، پیشی می گیرند؛ و آنها

از صالحانند .

(ب) بهترین و پر خیرترین افراد صاحبان ایمان و اعتقاد الهی و انجام دهندگان اعمال صالحه می باشند.

(ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات اولئك هم خير البريه)

آنان که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند آنها به حقیقت بهترین اهل عالمند .

شاخصه های عمومی در انتخاب کارگزاران دولتی و حکومتی

و توح منهم اهل التجربه و الحياء من اهل البيوتات الصالحه و القدم في الاسلام المتقدمه فانهم اكرم اخلاقا و اصلح اعراضا و اقل

في المطامع اشراقاً و ابلغ في عواقب الامور نظرا

کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و باحیا، از خاندان های پاکیزه و با تقوی، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند

انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرامی تر، و آبرویشان محفوظتر، و طمع و روزی شان کمتر، و آینده نگری آنان بیشتر است .

شاخصه های لازم در انتخاب فرماندهان نظامی

فول من جنودك انصحهم في نفسك لله و لرسوله و لامامك و انقاهم جيبا و افضلهم حلما ممن يبطن عن الغضب و يستريح الي

العدر و يرأف بالضعفاء و ينبو على الاقوياء و ممن لا يثيره العنف و لا يقعد به الضعف

برای فرماندهی سپاه کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام تو بیشتر، و دامن

او پاک تر، شکیبایی او برتر باشد، از کسانی که دیر به خشم آید، و عذر پذیر باشد، و بر ناتوان رحمت آورد، و با قدرتمندان، با

قدرت برخورد کند، درستی او را به تجاوز نکشاند، و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد .

شاخصه های لازم در انتخاب قاضیان

ثم اختر للحكم بين الناس افضل رعيتك في نفسك ممن لا تضيق به الامور و لانمحكه الخصوم و لا يتمادي في الزله و لا يحصر

من الفء الى الح اذا عرفه و لا تشرف نفسه على طمع و لا يكتفي بادني فهم دون اقصاه و اوقفهم في الشبهات و آخذهم بالحجج

و اقلهم تبرما بمراجعه الخصم و اصبرهم على تكشف الامور و اصبرهم عند اتضاح الحكم ممن لا يزهيه اطراء و لا يستميله اغراء و

اولئك قليل

سپس از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسانی که مراجعه فراوان، آنها را به ستوه نیاورد، و

برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکنند، و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار

نباشد، طمع را از دل ریشه کن کند، و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد، و در شبهات از همه با احتیاط تر عمل

کند، و در یافتن دلیل اصرار او از همه بیشتر باشد، و در مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود، در کشف امور از همه شکیباتر، و پس

از آشکار شدن حقیقت، در فصل خصومت از همه برنده تر باشد، کسی که ستایش فراوان او را فریب ندهد، و چرب زبانی او را

منحرف نسازد و چنین کسانی بسیار اندکند.

شاخصه های لازم در انتخاب منشیان و دست اندرکاران و تنظیم کنندگان امور

ثم انظر في حال كتابك فول على امورك خيره و اخصص رسائلك التي تدخل بها مكا يدك و اسرارك باجمعهم لوجوه

صالح الاخلاق ممن لا تبصره الكرامه فيجترى بها عليك في خلاف لك بحضره ملاء و لا تقصر به الغفله عن ايراد مكاتبات عمالك

عليك و اصدار جواباتها على الصواب عنك و فيما يأخذ لك و يعطى منك و لا يضعف عقدا اعتقده لك و يا يعجز عن اطلاق ما

عقد عليك و لا يجهل مبلغ قدر نفسه في الامور فان الجاهل بقدر نفسه يكون بقدر غيره اجهل ثم لا يكن اختيارك اياهم على

فراستك و استنامتك و حسن الظن منك قال الرجال يتعرضون لفراست الولاة بتصنعهم و حسن خدمتهم و ليس وراء ذلك من

النصيحه و الامانه شيء و لكن اخترهم بما ولوا للصالحين قبلك فاعمد لاحسنهم كان في العامه اثر و اعرفهم بالامانه وجهها فان

ذلك دليل على نصيحتك لله و لمن وليت امره و اجعل لراس كل امر من امورك رأسا منهم لا يقهره كبرها و لا يتشتت عليه

كثيرها و مهما كان في كتابك من عيب فتغايبت عنه الزمته

سپس در امور نویسندگان و منشیان به درستی بیندیش، و کارهایت را به بهترین آنان واگذار، و نامه های محرمانه، که

در بردارنده سیاست ها و اسرار تو است، از میان نویسندگان به کسی اختصاص ده که صالح تر از دیگران باشد، کسی که گرامی

داشتن، او را به سرکشی و تجاوز نکشاند تا در حضور دیگران با تو مخالفت کند، و در رساندن نامه کارگزارانت به تو، یا رساندن

پاسخ های تو به آنان کوتاهی نکند، و در آنچه برای تو می ستایند یا از طرف تو به آنان تحویل می دهد، فراموش کار نباشد. و

در تنظیم هیچ قراردادی سستی نوزد، و در برهم زدن قراردادی که به زبان توست کوتاهی نکند، و منزلت و قدر خویش را

بشناسد، همانا آن که از شناخت قدر خویش عاجز باشد، دز شناخت قدر دیگران جاهل تر است. مبادا در گزینش نویسندگان و

منشیان، بر تیزهوشی و اطمینان شخصی و خوش باوری خود تکیه نمایی، زیرا افراد زیرک با ظاهرسازی و خویش خدمتی، نظر

زمامداری را به خود جلب می نمایند، که در پس از این ظاهر سازی ها، نه خیرخواهی وجود دارد، و نه از امانت داری نشانی

یافت می شود لکن آنها را با خدماتی که برای زمامداران شایسته و پیشین انجام داده اند بیازمای، به کاتبان و نویسندگانی

اعتماد داشته باش که در میان مردم آثاری نیکو گذاشته، و به امانت داری از همه مشهورترند، که چنین انتخاب درستی نشان دهنده خیرخواهی تو برای خدا، و مردمی است که حاکم آنانی. برای هر یک از کارهایت سرپرستی برگزین که بزرگی کار بر او چیرگی نیابد، و فراوانی کار او را درمانده نسازند، و بدان که هرگاه در کار نویسندگان و مشیان تو کمبودی وجود داشته باشد که تویی خیر باشی خطرات آن دامنگیر تو خواهد بود.

انتخاب یک کارگزار خیانت کار، خیانت به خداوند است.

قال علی (علیه السلام): الوفاء لاهل الغدر غدر عندالله و الغدر باهل الغدر وفاء عندالله  
حضرت علی (ع) فرمود: وفاداری یا خیانتکاران نزد خدا نوعی خیانت، و خیانت به خیانتکاران نزد خدا وفاداری است.

ارزش هر کس به میزان ارزش دانش، تخصص و مهارت اوست.

قال (علیه السلام): قیمه کل امری ما یحسنه  
فرمود: ارزش هر کس به مقدار دانایی و تخصص اوست.

نشانه های انسان ظالم، فاسق و منافق

قال علی (علیه السلام): للظالم من الرجال ثلاث علامات: یظلم من فوقه بالمعصیه و من دونه بالغلبه و یظاهر القوم الظلمه  
حضرت علی (ع) فرمود: مردم ستمکار را سه نشان است: با سرکشی به ما فوق خود ستم روا دارد، و به زیردستان خود با زور و چیرگی ستم می کند، و ستمکاران را یاری می دهد.

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): اما علامه الفاسق فاربعة، اللهو و اللغو و العدوان و البهتان  
حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) میفرماید: علامت های انسان فاسق چهار چیز است: سرگرمی، کار بیهوده، دشمنی و دروغ بستن به دیگران

عنه (صلی الله علیه و آله): للمنافق ثلاث علامات: اذا حدث کذب، و اذا وعد اخلف، و اذا ائتمن خان  
حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) میفرماید: برای فرد منافق سه ویژگی است: هنگامی که حکایت میکند دروغ می گوید، و هنگامی که وعده میدهد خلف وعده میکند و هنگامی که به او اطمینان میشود خیانت میکند.

## فصل چهارم « شیوه های گزینش »

بدون ملاحظه روابط

عدم ملاحظه روابط، دوستی ها و خویشاوندی ها در انجام وظایف اسلامی و حکومتی، یکی از مهمترین اصول حکومتی و شاخصه های عدالت محوری در مسائل اجتماعی و حکومتی یک کشور است. آیات زیر دو نمونه از دستورات دینی در زمینه عدم لحاظ علقه های خویشاوندی در مسائل دینی و اعتقادی است:

(یاایها الذین ءامنوا لا تتخذوا ءاباءکم و اخونکم اولیاء ان استحبوا الکفر علی الایمان و من یتولهم منکم فاولئک هم الظلمون)

ای اهل ایمان، شما پدران و برادران خود را نباید دوست بگیرید اگر که آنها کفر را بر ایمان بگزینند، و هر کس از شما آنان را دوست گیرد چنین کسانی بی شک ستمکارند.

خداوند در آیه فوق به مؤمنان دستور میدهد کسی که به اصول ایمانی معتقد و پایبند شده است دیگر نباید افراد بی ایمان را سرپرست و دوست خود انتخاب کند و با این کار ضوابط الهی را که بدان پایبند بوده زیر پا گذارد. لازمه پایبندی به اصول ایمانی و قواعد شرعی، ترجیح خواسته های الهی بر تمایلات و خواسته های فردی و نفسانی است. کسی که خدا، ایمان و دینداری را می پسندد و برمی گزیند در حقیقت تمام تمایلات و علاقه های فردی خود را در مسیر دین داری و اطاعت پروردگارش قرار داده است. او دیگر نمی تواند تمایلات فردی خود را بر ضوابط اعتقادی ترجیح دهد اگر چه این امر در ارتباط با نزدیکترین افراد خانواده اش باشد.

هیچگاه احساسات فردی یک مؤمن واقعی از تحت کنترل ایمان و اعتقاد او خارج نگشته و از مسیر قواعد شرعی و الهی منحرف نمی شود.

(لا تجد قوماً يؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حاد الله و رسوله و لو کانوا ءباءهم او ابناءهم او اخوانهم او عشیرتهم)

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، که چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند  
میزان رد و قبول موازین اسلامی و انسانی باشد.



(و ما انزلنا عليك الكتاب الا لتبين لهم الذي اختلفوا فيه و هدى و رحمه لقوم يؤمنون)  
ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آنها روشن کنی؛ و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می آورند!  
کتاب قرآن که مجموعه کامل قوانین، دستورات و راه حل های اجرایی دین مبین اسلام در شئون مختلف فردی و اجتماعی بشر است تنها مرجع و نسخه اجرایی برای مسلمانان است.  
(یا ایها الذین ءامنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و احسن تأویلا)  
ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر (اوصیای پیامبر) را و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها دوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید، این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایش نیکوتر است.  
ایمان به خداوند تبارک و تعالی حکم میکند که اگر مسلمانان بر این اعتقادند که پروردگار آنان برترین جانشین و کامل ترین کتاب خود را برای هدایت، کمال و اصلاح امور آنان فرستاده است پس باید در تمام مسائل فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی حکومتی، تربیتی و ... خود نیز به آن رجوع کنند.  
به اسم اسلام

معیارهای واقعی دینداری چیست؟

در ابتدای تشکیل هسته های گزینش، در کتب و آموزش های اولیه و همچنین در گزینش افراد مسائل و سؤالاتی طرح شده بود که بدون آنکه در آن معیار درستی از ضوابط واقعی اسلام در تشخیص دینداری افراد و اعتقاد و التزام عملی آنان به مبانی اسلام لحاظ شده باشد میزان رد و قبولی افراد در گزینش قرار گرفته بود و براساس آن نیز حکم به صلاحیت و یا عدم صلاحیت افراد داده میشد. از آنجائی که هرگونه ضابطه، حکم و یا قانون اگر بخواهد به عنوان یک ضابطه دینی و شرعی در کاری مطرح شود و طبق آن حکم به شرعی بودن و یا غیرشرعی بودن مسائل و شئون آن کار داده شود باید مطابقت کامل و واقعی با معیارهای دینی داشته باشد، لذا معیارها و موازین دینی و شرعی هر کاری نیز باید از منابع دینی و مباحثی که در آن طرح شده، استخراج گشته و به اجرا دربیاید و نه نظرات و برداشت های شخصی و تجربی.

در فرهنگ قرآن، آنچه که جزو دین و مسائل دینی نبوده و یا با موازین و معیارهای دینی تطابقی نداشته ولی به جای دین و نظر و معیار دینی معرفی و اعلام گردد «افترا» یا همان دروغ بستن به دین و خدا نام می گیرد.  
در آیه ۱۱۶ سوره مبارکه نحل خداوند متعال دستور میدهد که آنچه از پیش خودتان تصور و ترسیم کرده اید و آن را به عنوان معیار و میزان از سوی شرع و دین تلقی کرده اید، نباید به وصف و تعریف و تمیجد درآورده و به دروغ آن را مصداق حلال و حرام الهی قرار دهید. مگر میتوان بدون شناخت و توجه به اصول و موازین عملی دین، شاخصه هایی را با عنوان حلال و حرام، شرعی و غیرشرعی و یا با عنوان معیار دینداری و یا عدم دینداری افراد معرفی کرده و بکار گرفت؟  
(و لا تقولوا لما تصف السنتکم الکذب هذا حلال و هذا حرام لتفتروا علی الله الکذب ان الذین یفترون علی الله الکذب لایفلحون)

به خاطر دروغی که بر زبانتان جاری می شود (و چیزی را مجاز و چیزی را ممنوع می کنید)، نگویید: این حلال است و آن حرام تا بر خدا افترا ببندید به یقین آنان که بر خدا دروغ بندند هرگز روی رستگاری نخواهند دید.  
امیر المؤمنین علی (ع) در خطبه ۸۸ نهج البلاغه در قسمتی از آن که به توصیف شرایط جامعه اسلامی و مشکلات طاقت فرسایی که در آن زمان امت اسلامی در برپا داشتن جامعه دینی خود متحمل شد و با پشت سر گذاردن مسائل گوناگون توانست بر تفکرات و جریانات انحرافی دشمنان در جامعه فائق آمده و نهال نورسیده اسلام را برپا کند، به توصیف افراد و گروه هایی می پردازد که بعد از آن دوران طلانی با رحلت پیامبر و رهبر جامعه اسلامی به اشتباه و انحراف کشیده شده و از نظر افکار و دیدگاه های فردی دچار خود محوری و تفسیر به رأی گشته اند، میفرماید:

اما بعد فان الله لم یقسم جباری دهر قط الا بعد تمهیل و رخاء و لم یجبر عظم احد من الامم الا بعد ازل و بلاء و فی دون ما استقبلتم من عتب و ما استدرتم من خطب معتبر و ما کل ذی قلب بلیب و لا کل ذی سمع بسمیع و لا کل ذی ناظر ببصیر فیا عجا و ما لی لا اعجب من خطاء هذه الفرق علی اختلاف حججها فی دینها لا یقتصون اثر نبی و لا یقتدون بعمل وصی و لا يؤمنون بغیب و لا یعفون عن عیب یعملون فی الشبهات و سیرون فی الشهوات المعروف فیهم ما عرفوا و المنکر عندهم ما انکروا

مفزعهم فی المعضلات الی انفسهم و تعویلهم فی المبهمات علی آرائهم کان کل امری منهم امام نفسه قد اخذ منها فیما یری بعی ثقات و اسباب محکمات

پس از ستایش پروردگار، خدا هرگز جباران دنیا را درهم نشکسته مگر پس از آن که مهلت های لازم و نعمت های فراوان بخشید، و هرگز استخوان شکسته ملتی را بازسازی نفرمود مگر پس از آزمایش ها و تحمل مشکلات. مردم، در سختی هایی که با آن روبرو هستید و مشکلاتی که پشت سر گذارید، درس های عبرت فراوان وجود دارد. نه هر که صاحب قلبی است خردمند است، و نه هر دارنده گوشی شنواست، و نه هر دارنده چشمی بیناست. در شگفتیم، چرا در شگفت نباشم از خطای گروه های پراکنده با دلایل مختلف که هر یک در مذهب خود دارند، نه گام بر جای گام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می نهند، و نه از رفتار جانشین او پیروی می کنند، نه به غیب ایمان می آورند و نه خود را از عیب برکنار می دارند، به شبهات عمل می کنند و در گرداب شهوات غوطه ورنند،

«نیکی در نظرشان همان است که می پندارند، و زشتی ها همان است که آنها منکرند»

در حل مشکلات به خود پناه می برند، و در مبهمات تنها به رأی خود تکیه می کنند، گویا هر کدام، امام و راهبر خویش می باشند که به دستگیره های مطمئن و اسباب محکمی که خود باور دارند چنگ می زنند  
امیرالمؤمنین (ع) در این بیان، تفکرات اشتباه و خودمحور جریانی را تبیین می کند که در ظاهر، برخوردار از دانش و ایمان اسلامی هستند اما به واسطه فاصله گرفتن از خیمه رهبر اسلامی و به خاطر آشنا نبودن با مواضع و معیارهای حقیقی دیدن و به علت برخوردار نبودن از بینش اسلامی به خودمحوری و تفسیر به رأی افتاده و دیدگاه خود را موضع واقعی دین دانسته و مبنای دینی بودن امور تلقی کرده اند. در جمله انتخاب شده از کلام حضرت با دقت و تفکر تأمل کنید!!!  
بر همین اساس با مروری بر منابع روایی به ذکر احادیثی در این زمینه، که در آن نشانه ها و راهکارهایی برای شناخت صلاحیت های اعتقادی و اخلاقی و عملی در افراد ارائه شده است می پردازیم:

در منابع دینی ما برای «اهل دین» یعنی کسانی که به طور حقیقی علاقمند و رعایت کننده اصول و موازین دین مبین اسلام هستند علائم و ویژگی هایی معرفی شده است که به ذکر یک مورد از آن که در مقوله گزینش نیز کاربرد دارد می پردازیم:  
الامام علی (علیه السلام): ان لاهل الدین علامات يعرفون بها: صدق الحدیث، و ادای الامانه، و الوفاء بالعهد، و صله الرحم، و رحمه الضعفاء، و قله المواتاه للنساء، و بذل المعروف، و حسن الخلق، و سعه الخلق، و اتباع العلم، و ما یقرب الی الله عزوجل، طوبی لهم و حسن مآب

امام علی (ع) میفرماید: همانا برای اهل دین علامت هایی است که به وسیله آن شناخته میشوند: صدق حدیث، ادای امانت، وفای به عهد، صله رحم، مهربانی با ضعیفان، همراهی و همدلی کم با زنان، بخشش خوبیها، حسن خلق و وسیع بودن خلق، تبعیت از دانش و اصول علمی و آنچه که موجب نزدیکی به خداوند می شود. خوشا به حال آنان که دارای خوب عاقبت و جایگاهی هستند.

در هر یک از فرازهای حدیث فوق علائم و شاخصه هایی برای اهل دین آورده شده است که هر کدام از آن می تواند معیار و نشانه ای دقیق در شناخت نوع اعتقادات، عملکرد و بینش دینی افراد باشد؛ البته برای یافتن موارد تطبیقی و مصداقی آن باید با بررسی و مطالعه دقیق و عمیق علمی و همچنین بررسی نوع ویژگی های اعتقادی و اخلاقی آحاد افراد جامعه و با توجه به شرایط مکان و زمانی داوطلبین و صلاحیت های مورد نیاز مشاغل و همینطور شدت و ضعف مورد نظر در آن به تعیین آن موارد پرداخت.

به عنوان نمونه در سه ویژگی اول، احادیث و گفتارهای متقنی وجود دارد که صداقت، ادای امانت و وفای به عهد را اصل دین و دینداری برشمرده و صراحتاً نبود آن را در فردی مساوی با نداشتن ویژگی اصلی دینداری میدانند که جای هیچ گونه تفسیر و تعبیری را باقی نمی گذارد:

قال امام علی (علیه السلام): ملاک الاسلام صدق اللسان

ملاک اسلام و مسلمانی صداقت در گفتار است.

لذا با توجه به این حدیث، نوع ارتباط با دوستان و خویشاوندان، نوع نگرش و نحوه تعامل با افراد ضعیف جامعه، نوع ارتباط با جنس مخالف در معاشرت های فردی و اجتماعی، خلیقات و شیوه های رفتاری، برخورداری از بینش علمی، توجه به مسائل عبادی و ایمانی، از شاخصه هایی هستند که باید به عنوان معیارهای عمومی مورد توجه قرار گیرند.

یکی از واژه ها و ویژگی هایی که در منابع دینی ما به عنوان اصلی ترین شاخص مطرح می باشد واژه «ایمان» است؛ چرا که این ویژگی تمامی اعتقادات، خلیات و عملکردهای مثبت دینی را در یک فرد فراهم می آورد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در تعریف آن می فرماید:

الایمان معرفه بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالارکان

ایمان بر شناخت با قلب و اقرار با زبان و عمل با اعضاء و جوارح استوار است.

ایمان که در تعاریف کتب دینی ما به اعتقاد و گرایش فرد اطلاق شده است در سه عرصه ظهور و بروز دارد: «معرفت قلب»، «گفتار زبان» و «عمل اعضاء و جوارح». لذا در کار گزینش نیازمند آن هستیم که از نوع بینش و گرایشات فردی و باورهای درونی فرد که به صورت یک اعتقاد و دیدگاه از سوی او بیان می گردد و همچنین از نوع اعمال و رفتار او که نمودی از باورهای اعتقادی درونی اوست آگاهی یابیم. آگاهی افراد از باورها و اعتقادات دینی و معرفت و اعتقاد قلبی آنان را میتوان با چند سؤال ساده مورد بررسی قرار داد.

بعد دیگر معرفت های قلبی نوع بینش و گرایش فرد مخاطب است. باورهای درونی در بیان بیرونی قابل مشاهده است و بسیاری از اعتقادات افراد در کشاکش مسائل روزمره و بروز موضع فردی آنان نمایان میشود که میتوان با ارائه چند موضوع مهم و اساسی از مسائل فردی و اجتماعی به نوع دیدگاه ها و بینش ها و گرایشات فرد مخاطب پی برد؛ این را هم بدانیم بیان و ابراز صریح و لسانی برخی از باورها و اعتقادات اصیل دینی برای بسیاری از افراد عوام آزار دهنده است و به آن عادت ندارند و تنها ممکن است گاهی اوقات در ضمن پیشآمد موضوع و مسئله ای، اعتقاد درونی خود را به زبان ابراز کنند؛ لذا میتوان از طریق بررسی علاقه مندی های فرد مخاطب (به صورت مستقیم و غیرمستقیم) به شناخت بینش ها و گرایشات او دست یافت چرا که

قال الباقر (علیه السلام): الدین هو الحب و الحب هو الدین؟

امام باقر (ع): دین همان محبت و دوست داشتن است و محبت همان دین داری؟

نوع گرایشات و علاقه های فردی نشانه ایمان و دینداری است.

بررسی حوزه علاقه های فردی و گرایشات درونی افراد یکی از بهترین شاخصه های ایمان و دینداری است. همانطور که در حدیث فوق ذکر شد ایمان و دینداری چیزی به غیر از تنقیح علاقه های فردی و انتخاب متعلقات و محبوب های مشروع، حلال، پاک که مورد رضایت خداوند تبارک و تعالی باشد نیست.

به گفته علامه بزرگوار شهید مطهری (ره) تفاوت اصلی انسان با دیگر موجودات که اصلی ترین شاخصه انسانیت فرد می باشد، نوع بینش و گرایشات او و وسعت آن نسبت به دیگر موجودات ذی شعور است. زمانی که انسان به واسطه کسب علم و معرفت دیدگاهش وسیع و عمیق گشته و از مسائل مادی پافراتر گذاشته و به سوی امور غیرمادی سوق می یابد، گرایشات او نیز به همان نسبت به چیزهای غیرمادی یعنی به مقولات ارزشمند انسانی و مسائل والای معنوی تعلق می یابد.

این بخش یکی از مهمترین و در عین حال دقیق ترین ابعاد وجودی انسان است که در یک دید جامع میتوان گفت تمام هویت و شخصیت انسان را نیز شامل می گردد. هر چه دانش و آگاهی انسان رشد و تعالی یابد و از مسائل و موضوعات حقیقی و ارزشی مطلع شود به همان نسبت نیز بینش او فراتر رفته و اعتقادات و تفکراتش رشد و تعالی می یابد.

گرایشات انسان مولود بینش او و برگرفته از محبوب ها و زیبایی هایی است که در سیر تفکر و نگاه های جستجوگرانه روزمره او مورد علاقه اش قرار می گیرد. انسان به هر چیزی که علم و معرفت یافته و در نگاه او ارزش و اعتبار می یابد، به طرف همان شیء نیز گرایش یافته و برای رسیدن به آن تلاش میکند. نباید تعجب کرد، مکانیسم فکری، روحی و شخصیتی انسان بر پایه حب و بغض طرح ریزی و خلق شده است و هیچ گاه نمی تواند از محدوده حب و بغض بیرون آید انسان نسبت به اشیاء و موضوعات پیرامونش یا علاقه نشان می دهد و یا عدم علاقه و انگیزه.

مجموعه گرایشات و علاقه های فردی آیین و شیوه زندگی انسان را تشکیل میدهد که از آن تعبیر به دین میشود. لذا است که امام (علیه السلام) می فرمایند آیا دین و آیین زندگی چیزی به غیر از محبت و دنبال کردن علاقه ها است. او تلاش خود و وقت و زندگی خود را صرف رسیدن به آنهایی می کند که در نزد او اعتبار و ارزش یافته است و این همان آیین و شیوه زندگی اوست که طبق آن تلاش می کند. این دو عنصر در تمامی انتخاب ها و حرکت ها و عملکردهای کوچک و بزرگ آدمی جریان دارد. لذا است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در تبیین مقوله ایمان میفرمایند که ایمان و اعتقاد آدمی نهفته در تمایلات درونی و مدارهای ارزشی است که در هر فرد موجود می باشد. اگر این تمایلات در امور خوب و کارهای مثبت بود او مؤمن و معتقد به خداوند و تمامی خوبی هاست و اگر در مورد مسائل منفی و باطل بود، او به همان مسائل مؤمن و معتقد

است:

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): من سرته حسنته و ساءته سيئته فهو مؤمن

رسول اکرم (صلى الله عليه وآله) می فرماید: کسی که کار نیکویش او را شاد و خوشحال کند و کار بدش او را اندوهگین و ناراحت، پس او مؤمن است

نگاه به خواسته ها و علاقه مندی های فردی می تواند بهترین معیار و ملاک در تشخیص نوع تفکر، بینش، گرایشات و اعتقادات و حتی نوع عملکردهای فردی باشد.

مرحله دومی که ما باید بعد از طرح بینش ها و گرایشات فردی مورد توجه قرار دهیم صداقت در عملکرد و رفتار فرد داوطلبان است؛ یعنی آیا او در عمل هم به این اعتقادات پایبند می باشد و آیا گرایشات، تمایلات و علاقه مندی هایی که در محدوده کلام از خود اظهار داشته در عمل او هم نشانه و حضور و ظهوری دارد یا خیر؟ این ارزش ها تنها در حد تمایلات قلبی و موضع گیری های فکری او موجود است؟ مرحله سومی که از این حدیث برداشت می کنیم که محور اصلی در بررسی شاخصه های ایمانی باشد موضوع رضایت مندی، خشنودی و نوع موضع فرد در مورد عملکردهای مثبت و منفی خودش است. طبق فرموده پیامبر (ص) اگر کارهای مثبت فردی حقیقتاً موجب شادمانی قلبی او شود و کارهای بد او موجب دل آزرده گی و پشیمانی و ناراحتی باشد او مؤمن و دارای اعتقادات و گرایشاتی الهی است؛ چرا که در قبال یک کار خوب واکنشی درست و مثبت نشان داده که این نشان دهنده رضایت مندی و علاقه مندی او نسبت به آن کار نیکو است. اگر فردی را حقیقتاً که در زمینه مسائل ناهنجار و ضد ارزش اظهار انزجار می کند، برای او موقعیتی دوجانبه را ترسیم کنیم قطعاً موضعی صحیح و ارزشی از خود به نمایش می گذارد. این نشانه فرد مؤمن است. اگر او با تردید جواب داد و یا دوبار اظهار نظر کرده و یا نظر و دیدگاهی نداشت، ما نیز برداشتی دیگر را در قبال آن در نظر می گیریم. عرصه دیگر ایمان فردی نوع عملکرد و رفتارهای فرد مخاطب است. نکته مهم که در وهله اول در این زمینه باید توجه شود اینست که اولاً اعمال مستحبی همیشه دلیل بر قوت ایمان و صحت اعتقاد و سلامت اخلاق فردی نیست و حتی برای هر فردی نیز نمی تواند به عنوان یک ارزش و امتیاز معنوی تلقی شود؛ چرا که ممکن است همانطور که بسیاری از معلومات دینی در فردی تنها به صورت یک دانش موجود بوده و هیچ نوع اعتقاد، گرایش و یا عملکردی از آن برنخواسته باشد همینطور هم ممکن است اعمال مستحبی از روی یک عادت، سنت و یا بروز یک احساس معنوی و یا یک انفعال احساسی در فرد رونق یافته باشد البته انجام اعمال عبادی میتواند نشانه ای بر علاقه مندی فرد به مسائل معنوی و عبادی و داشتن یک روحیه مثبت معنوی باشد اما همیشه هم دلیل بر یک بعد معنوی ثابت که مبتنی بر مواضع اعتقادی قوی راسخ باشد نیست، که اگر اینگونه باشد دلیلی وجود ندارد که ابعاد معنوی رفتار او بر رفتارهای اجتماعی و مسائل اخلاقی و مواضع فکری او که اصل در گزینش می باشد تأثیر گذاشته باشد. لذا آنچه که در مسائل و مشاغل حکومتی و مدیریت امور اجتماعی از هر معیاری مهمتر و لازم تر می باشد بینش و فهم صحیح اسلامی، و پایبندی به مبانی و اصول و ارزشهای دینی و نوع عملکرد، موضع گیری و رفتار مردمی کارگزار است:

قال علی (عليه السلام): لا تنظروا الی کثره صلاتهم و صومهم و کثره الحج و المعروف و طنطنتهم باللیل، انظروا الی صدق الحدیث و اداء الامانه

امام علی (ع) میفرماید: نگاه نکنید به کثرت نماز خواندن و روزه گرفتن و حج رفتن و انجام خویبها و شب زنده داری های فراوان، بلکه به صداقت گفتار و درست ادا کردن امانت افراد بنگرد.

در صورتی که یک فرد مؤمن، دارای بینش، گرایش و عملکرد ارزشی، انسانی و اسلامی باشد مسائل معنوی و عبادی او نیز می تواند وسیله ارتقاء روحانی و عامل بازدارنده او در عرصه مسائل عملی و اجتماعی باشد؛ عبادتی که از معرفت و بینش صحیح نشأت نگرفته باشد و صداقت گفتار و امانت داری فرد را تقویت نکرده باشد از کمترین تأثیر برخوردار است.

البته این را هم در نظر داریم که در گزینش های عمومی نه در مشاغل خاص و پست های حساس مدیریتی این مسائل یک امتیاز مثبت و ویژه ای محسوب می شود اما در مناصب مدیریتی و حساس ملاک ها به سمت ملاک های واقعی تر و عمیق تر پیش می رود.

نکته دوم در مسئله عملکرد، بررسی موضع گیری های فرد مخاطب در مسائل گوناگون است بعد از آنکه گزینش گر به این نتیجه رسید که فرد مخاطب او در حوزه عملکرد دچار فسق، فساد و مسائل غیرشرعی، غیراخلاقی و غیرقانونی نبوده و واجبات اصلی را انجام میدهد و به نسبت سطح عمومی جامعه و مقدرات فردی خود، انسانی پاک و سالمی است، برای انتخاب اصلح یا برای بررسی صلاحیت های مشاغل ویژه میتواند به موضع گیری های فرد در قبال مسائل خاص فکری و اعتقادی و ... توجه کرد.

بسیاری از موضع گیری های افراد که به صورت نظر و دیدگاه از آنان بروز می کند نشانه عملکردهای بعدی آنان در مسائل مختلف طرح شده می تواند باشد. بنابراین روسی مسائل یازدگانه در حدیث اول میتواند بهترین معیار در تشخیص صلاحیت های دینی افراد با لحاظ سه ویژگی اول و با توجه به مقدمات آنان قرار گیرد. توجه به چند معیار دیگر

قال الامام الصادق (علیه السلام): المسلم من سلم الناس من يده و لسانه و المؤمن من ائتمنه الناس على اموالهم و انفسهم امام صادق (ع) می فرماید: مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او در امان بوده و مؤمن کسی است که مردم از او نسبت به اموال و جان هایشان در امنیت و اطمینان باشند

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): ما بين المسلم و بين الكافر الا ان يترك الصلاة الفريضة متعمدا او يتهاون بها فلا يصلحها پیامبر مکرم اسلام (صلى الله عليه و آله) میفرماید: بین فرد مسلمان و فرد کافر هیچ فاصله ای نیست مگر اینکه فرد مسلمان به عمد خواندن نماز واجب را ترک کند و یا سهل انگاری کرده تا آنکه آن را بجا نمی آورد.

نماز یکی از اصلی ترین ملاک های دینداری است. این احادیث جزو احادیث متقن و بسیار صریح ما در زمینه رابطه میان دینداری و نماز است؛ البته منظور مسلمان شناسنامه ای و والدینی نیست بلکه منظور مسلمان واقعی است که دارای مختلف ایمانی است.

واقعیت آن است فردی که کوتاه ترین و ساده ترین ارتباط معنوی خود با خداوند متعال و تنهاترین علامت مسلمانی و دینداری را ترک کرده و به آن اهمیتی نمی دهد، بهره ای از روح مسلمانی و دینداری و پاکی و خصلت های انسانی داشته باشد.

قاعده واضح و در عین حال عجیبی است که اگرچه یک تارک نمازی خلقیاتی لطیف و زیبا و خوئی نرم داشته باشد و نسبت به مسائل انسانی تقید داشته و به مسائل ایمانی و ارزشی نیز علاقه نشان دهد اما هیچگاه موضع او، برخاسته از موضعی اعتقادی و ارزشی نمی باشد. کسی که ابتدایی ترین رابطه انسانی و الهی را در خود بر هم زده است و حال آن را ندارد که بتواند برای چند لحظه هم که شده نفس خود را در برابر رفتاری ساده مطمئع و منقاد کند چگونه می تواند فکر و ذهن و اعتقاد و نگرش و بینش خود را در برابر مواضع الهی و انسانی مطیع و منقاد و متقاعد گرداند؟

گرچه در شرایط و تحولات کنونی جامعه ما، بسیاری از افراد را مشاهده می کنیم که بر اثر حرکت رو به رشد شاخصه های اعتقادی و ارزشی جامعه و نهادینه گشتن برخی از فرهنگ های صحیح انسانی و اسلامی در کشور، موازین دینی و انسانی در افرادی که شاید در ظاهر تقید خوب و کاملی به مسائل اسلامی نداشته باشند، از ارزش و اعتبار ویژه ای برخوردار شده است. البته این موضوع خود یک پدیده چندبعدی فرهنگی، اجتماعی است که بررسی و تحلیل آن نیازمند توجه و مراجعه به عوامل پدیدآورنده آن دارد؛ هم در بعد منفی آن که چرا بر اثر ضعف نهادهای فرهنگی جامعه یک چنین قشری از میان فرزند نسل دوم و سوم انقلاب پدید آمد که با ساده ترین مسائل و آداب اسلامی و دینی هیچ رابطه و انسی ندارند، و هم در بعد مثبت آن که چه عواملی باعث رویش و تبلور جدید فرهنگی، اعتقادی و ارزشی در میان نسل سوم انقلاب شده است که شاخصه های ارزشی و اعتقادی بسیار محکم و عالمانه و عاقلانه ای را از آنان به نمایش می گذارد.

موقعیت های دنیایی و تأثیرات آن بر خلقیات و روحيات

امام علی (ع): اذا اقبلت الدنيا على قوم اعارتهم محاسن غيرهم و اذا ادبرت عنهم سلبتهم محاسن انفسهم

چون دنیا به کسی روی آورد، نیکی های دیگران را به او عاریت داده (خوبی هایی که در دیگران می بینی در او جمع می شود)، و چون دنیا از او روی برگرداند خوبی های او را نیز بر باید

حضرت علی (ع) در این کلام خود گروهی از افراد جامعه را معرفی می کنن دکه به علت برخوردار نبودن از پایه های محکم عقیدتی و ایمانی، با به وجود آمدن یک موقعیت دنیایی، روحيات و خلقیات آنان نیز تغییر کرده و به فرموده ایشان تمامی آنچه که از خوبی و نیکی ها در دیگران مشاهده می کنی در آنان جمع می گردد. البته این افراد دنیامدار به محض تغییر موقعیت مالی و دنیایی تمامی خلقیات و روحياتشان تغییر کرده و بسیاری از جنبه های مثبت ظاهری را که در گذشته در آنان مشاهده می شد از دست می دهند.

مصادق این کلام حضرت را میتوانیم در بعضی از گروه های اجتماعی خود نیز مشاهده کنیم. برخی افراد که بینش های ارزشی و اسلامی نداشته و به خاطر برخوردار از موقعیت های شغلی، مالی، خانوادگی و ... در مراودات کاری و اجتماعی افرادی خوش روحیه و نرم خو و با فرهنگ نشان می دهند. اگر در این مسئله برخی از تأثیرات خانوادگی و خصلت های ریشه دار

وراثتی را لحاظ نکنی، طبق حدیث فوق روایات و خلیات مثبت این گروه از افراد تنها نشأت گرفته از یک انفعال درونی و روانی که آنهم متأثر از مسائل مادی و اعتباری است می باشد.

امروزه مقوله اثرگذاری اشیاء و موجودات و رویدادها بر یکدیگر مسئله ای اثبات شده است و موجودات دائماً در تحت تغییرات تأثیر گرفته از محیط و رویدادهای پیرامون خود هستند و به اصطلاح از محیط و رویدادهای آن انرژی و تأثیر می گیرند. انسان هم از این مقوله مستثنی نیست. حال افرادی که از مبانی فکری و عقیدتی دینی و رازشی ریشه داری برخوردار نیستند، قطعاً دیدگاه ها و رویه های رفتاریشان نشأت گرفته از شرایط محیطی و فردی و مالی آنان خواهد بود. تنها یک انسانی برخوردار از بینش الهی و انسانی مبتنی بر یک سری حقایق ثابت ارزشی و غیرمادی است که میتواند که خلیات و موضع گیری های رفتاری خود را از باورها و اعتقاداتش اخذ کرده و به اجرا درآورد، نه از محیط که از آن تأثیر گرفته و به خوش رفتاری بیفتد.

چند اصل علمی معرفتی در تحلیل روانشناسی و گزینشی افراد

تحلیل شاخصه های ارزشی در افراد باید با توجه به شرایط فرهنگی و اخلاقی حاکم بر جامعه انجام گیرد

قال عی (علیه السلام): اذا استولی الصلاح علی الزمان و اهله ثم اساء رجل الظن برجل لم تظهر منه خزیه فقد ظلم و اذا استولی الفساد علی الزمان و اهله فاحسن رجل الظن برجل فقد غر

امام علی (ع) فرمود: هرگاه نیکوکاری بر روزگار و مردم آن غالب آید، اگر کسی به دیگری گمان بد برد، در حالی که از او عمل زشتی آشکار نشده ستمکار است، و اگر بدی بر زمانه و مردم آن غالب شود، و کسی به دیگری خوش گمان باشد، خود را فریب داده

یکی از نکات اساسی در گزینش افراد داوطلب مشاغل دولتی و نگرش و ارزشیابی تحلیلی آنان، در نظر گرفتن مسائل و جریانات فکری و اخلاقی حاکم بر جامعه است. افکار و اعتقادات و شرایط فرهنگی و اخلاقی موجود در یک جامعه، از مؤلفه های شکل دهنده شخصیت، اخلاق و رفتار افراد آن جامعه است؛ تا جایی که برخی از ویژگی های فرهنگی و اجتماعی آنچنان فضای فکری و روانی افراد را تحت تأثیر خود قرار می دهد که فرد را با آن پدیده کاملاً عجین کرده و با تغییر هویت فکری و رفتاری او شخصیت دیگری از او میسازد.

لذا طبق اصلی که حضرت (ع) در کلام خود بیان فرمودند، گزینش و قضاوت پیرامون صلاحیت و ویژگی های اخلاقی و اعتقادی افراد، نیازمند شناخت مسائل روز جامعه و شرایط فکری، فرهنگی و اخلاقی حاکم بر آن و در میان اقشار مختلف آن است تا گزینش فرد با یک نگرش واقع بینانه به قضاوتی عادلانه و درست منتج گردد.

در غیر اینصورت بدون توجه به مسائل بیرونی و روابط اجتماعی فرد در محیط های مختلف کاری و اجتماعی نه میتوان مصلحت مردم و جامعه را تأمین و تضمین کرد و نه به شناخت و انتخابی درست و دقیقی نسبت به فرد مورد نظر دست یافت.

بنابراین آگاهی از مسائل روز فرهنگی و سیاسی و اجتماعی جامعه و داشتن تحلیل درست و منطقی از آن کمک شایان و قابل توجهی در گزینش و انتخاب کارگزاران اجتماعی و حکومتی میکند. اقدام به گزینش افراد بدون بصیرت و دانش سیاسی و اجتماعی روز به خیانت نسبت به حقوق جامعه و افراد داوطلب منجر خواهد شد.

کلام، رفتار، پوشش، منش، عملکرد و هر چه که در ظاهر نمایان می گردد، بهترین وسیله ارزیابی افراد است.

و اعلم ان لكل ظاهر باطنا علی مثاله فما طاب ظاهره طاب باطنه و ما خبث ظاهره خث باطنه و قد قال الرسول الصادق (صلی الله علیه و آله) ان الله یحب العبد و یبغض عمله و یحب العمل و یبغض بدنه و اعلم ان لكل عمل نباتا و كل نبات لاغنی به عن الماء و المیاه مختلفه فما طاب سقیه طاب غرسه و حلت ثمرته و ما خبث سقیه خبث غرسه و امرت ثمرته

و بدان که هر ظاهری باطنی متناسب با خود دارد، آنچه ظاهرش پاکیزه، باطن آن نیز پاک و پاکیزه است، و آنچه ظاهرش پلید، باطن آن نیز پلید است و پیامبر راستگو (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: همانا خداوند بنده ای را دوست دارد اما کردار او را دشمن، و کردار بنده ای را دوست می دارد اما شخص او را ناخوش. آگاه باش هر عملی رویشی دارد و هر روینده ای از آب بی نیاز نیست و آب ها نیز گوناگون می باشند. پس هر درختی که آبیاری اش به اندازه و نیکو باشد شاخص و برگش نیکو و میوه اش شیرین است و آنچه آبیاری اش پاکیزه نباشد درختش عیب دار و میوه اش تلخ

حضرت علی (ع) در این حدیث یکی از مهمترین موضوعات گزینشی یعنی یوه تحلیل روانشناختی، اعتقادی، اخلاقی و عملکردی افراد را مطرح میسازد.

بررسی حدیث فوق نیازمند توجه و دقت مضاعف خواننده محترم بر محتوای کلام فوق است تا مباحث و مطالبی که ارائه می گردد مورد تصدیق کامل قرار گیرد.

اولین اصلی که از این کلام برداشت میشود اینست که «ظاهر ملاک در تشخیص است».

همانطور که حضرت (ع) بیان داشته اند هر آنچه که در ظاهر رفتار، اخلاق، گفتار و منش فردی نمایان می گردد، همانند و برآمده از درون و باطنی است که حقیقت او را تشکیل میدهد. این یک واقعیت انکارناپذیر است: «ظاهر» نشانه و همانندی از باطن است:

از کوزه همان تراود که در اوست

امام صادق (علیه السلام) در تبیین این حقیقت می فرمایند:

فساد الظاهر من فساد الباطن، و من اصلح سریره اصلح الله علانیه

فساد و خرابی در ظاهر نشأت گرفته از فساد در درون است، و هر کس که دل پاک و نیت صاف و درون سالم داشته باشد خداوند آشکار او را اصلاح می گرداند.

پس اولین نکته اینست که مبنای نگاه و بررسی در صلاحیت افراد، نموده‌ها و ظواهری است که از اخلاق و رفتار و عملکرد فرد در عرصه های گوناگون فردی و اجتماعی مشخص می گردد. لذا هیچگاه نباید در این ملاک واضح و متقن شک کرده و با شنیدن جملاتی از قبیل:

«دل انسان باید صاف باشد»، «طرف ظاهرش نامناسب است، اما دلش پاک است» اصل مورد نظر مورد تردید قرار گیرد؛ چرا که طبق حدیث فوق هر کسی که درون پاکی دارد و از افکار و نیت و قلبی پاک و سالم و خالی از هرگونه شهوت، پلیدی، فساد و ... است، قطعاً ظاهر و برون او نیز باید پاک و سالم و موجه خواهد بود؛ البته همانطور که در مبحث قبل اشاره گردید در گزینش افراد باید شرایط حاکم بر جامعه را در نظر گرفت و با تحلیلی درست به افراد نگریست، اما به هر حال، فردی که دارای ظاهری غیرموجه است دچار آلودگی فکری و اعتقادی شده و هر نوع ویژگی خوب و عملکرد مثبت او نمی تواند توجیهی بر نقصان و انحرافش باشد.

البته در تحلیل و جمع بندی میان عوامل محیطی و اجتماعی و وضعیت داوطلب مورد نظر، تنها معیار و ملاک، قوانین عام و خاص گزینشی است؛ و نکته مهم در این قضیه نوع برداشت و تحلیلی است که یک گزینشگر از وضعیت موجود جامعه و از مسئله ظاهر و باطن افراد دارد. تحلیل ظاهر رفتار، گفتار، پوشش و عملکرد افراد نیازمند علم و تجربه بسیار بالایی است. معیارهایی که برای این مسئله باید در نظر گرفت نیز بسیار مهم بوده و نیازمند یک دانش کامل و دقیق در زمینه موازین دینی مطابق با مسائل جامعه شناسی و رفتارشناسی است. اما موضوع مهم و کلی این بخش آن است که اولاً ظاهر، ملاک در تشخیص و تعیین صلاحیت افراد است، دوماً فرد تحلیل کننده و گزینشگر باید برداشت صحیح و تجربه وسیع در زمینه رفتارشناسی و تعیین مصادیق و موازین شرعی در عملکرد افراد داشته باشد تا با اعمال سلیقه و ذوق شخصی به گزینش افراد نپردازد، و سوماً در گزینش باید مشاغل عمومی و حساس که هر کدام ضوابط خاصی را می طلبد از یکدیگر تفکیک گردد. به عنوان مثال برای گزینش یک فرد در شغلی غیر حساس وجود برخی موارد خاص در ظاهر و عملکرد فرد تا آنجا که از محدوده ضوابط عمومی صلاحیت و محدوده شرع خارج نشده باشد قابل اغماض بوده و میتوان نسبت به تأیید صلاحیت او اقدام کرد؛ اما در مورد مشاغل خاص و مناصب مدیریتی و حکومتی که به خاطر جایگاه حساس و تعیین کننده آن از هیچگونه اغماض و مسامحه ای برخوردار نیست، باید به تک تک موارد مهم در نوع نگرش، اعتقاد و عملکرد و سابقه فرد توجه کرده و طبق ضوابط دقیقی که در مورد کارگزاران حکومتی مطرح است به گزینش آنان پرداخت.

البته در این زمینه نیز باید به نکته ای دیگر که حضرت امیر (ع) با عنوان یک اصل مطرح میسازند توجه کرد:

اقبلوا ذوی المروءات عثرا تمهم فما یعثر منهم عاثر الا و یده ید الله یرفعه

از لغزش جوانمردان در گذرید، زیرا جوانمردی نمی لغزد جز آن که دست خدا او را بلند مرتبه می سازد

موضوع این کلام را میتوان در مسئله گزینش مدیران و کارگزاران حکومتی دارای کاربرد دانست، که البته تعیین و تدوین احکام گزینشی از آن اولاً نیازمند تبیین دقیق و کامل مفهوم جوانمردی و دوماً مصادیق مورد نظر آن در مسائل اجتماعی و سوماً تعیین ضوابط اغماض در این زمینه و همچنین تعیین وجوه قابل طرح آن در حیطه امور حکومتی و قوانین کارگزاری می باشد. دومین اصل برداشتی از کلام حضرت اینست که «منظور از ظاهر تنها پوشش ظاهری افراد نیست». بلکه منظور از ظاهر تمامی رفتار، گفتار، حرکات، عملکردها و بینش ها و گرایشاتی است که فرد در عرصه های مختلف از خود بروز میدهد. لذا گزینش کننده باید نگاه و بررسی خود را محدود به پوشش و آرایش ظاهری افراد نکند بلکه باید به مجموعه حرفها و واکنش هایی که فرد در فرآیند گزینش از خود نشان داده و به رفتار و عملکردهایی که او در خارج از محیط گزینش و در سابقه کاری و رفتاری خود بر جای می گذارد توجه نماید.

یکی از چیزهایی که در گزینش افراد میتوان از آن بهره برد نظرات و مواضعی است که فرد در مقابل مسائل و موضوعات مهم و مربوط به موقعیت و شغل مربوطه و یا مسائل اساسی نظام و جامعه و مردم و فرهنگ و اجتماع از خود نشان میدهد. لذا میتوان با طرح سؤالاتی که باید از پیش تعیین شده و کاملاً هدفدار بوده باشد، به بررسی نظرات انعکاس یافته پرداخت. سومین اصل برداشتی، متأثر بودن اخلاق، رفتار و اعمال ظاهری از نوع بینش ها، گرایش ها و معتقدات درونی افراد است. ظاهر نشانه ای و نمایه ای از باطن است. از صحت و سقم، پاکی و ناپاکی و سلامت و انحراف اعمال و اخلاق ظاهری میتوان به پاکی، ناپاکی، سلامت و انحراف شخصیتی و اعتقادی افراد پی برد. اگر موضع اخلاقی نیکویی از فرد مشاهده کردید بدانید که او در آن زمینه دارای سلامت اعتقاد و اعتدال در بینش است. اگر کلام و یا عکس العملی منفی در زمینه ای از داوطلب مشاهده کردید، بعد از بررسی جوانب قضیه و ویژگی های دیگر فرد مخاطب و ابعاد مختلف موضوع طرح شده، میتوانید با رعایت انصاف و عدالت به جواب خود پی برید. در این زمینه به گفتار دیگری از حضرت علی (ع) اشاره می کنیم:

إذا كان في رجل خلة رائقة فانظروا اخواتها

اگر در کسی خصلتی شگفت دیدید، همانند آن را نیز انتظار کشید.

چهارمین اصل، تعادل در نگرش و انصاف در برداشت و قضاوت است. حضرت (علیه السلام) با نقل کلامی از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به اصل مهم دیگری در زمینه ارتباط میان اعمال و شخصیت افراد می پردازند:

« پیامبر راستگو (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: همانا خداوند بنده ای را دوست دارد اما کردار او را دشمن، و کردار بنده ای را دوست می دارد اما شخص او ناخوش»

اینکه گاهی خداوند تبارک و تعالی از فردی خشنود اما از عملکرد او ناراضی است و گاهی هم از عمل انسانی خشنود اما از خود او ناراضی است مطالب، معارف و نکات بسیار مهمی را در خود جای داده است که بیان آن نه در توان فهم و علم نویسنده است و نه در محدوده این نوشتار می گنجد. اما ضمن اشاره به دو نکته اساسی به مطلب بسیار مهمی که در این گفتار تلویحاً بیان شده است می پردازیم.

فرد گزینش کننده اگر بعد از بررسی و شناخت وضعیت یک داوطلب با نکات منفی و مواردی از ناهنجار اعتقادی و یا اخلاقی مواجه شد اولین موضع فکری که او باید در خود پدیدار سازد و به آن قویاً معتقد باشد این است که: اگرچه در موارد بسیار زیادی، اعمال منفی و مسائل انحرافی نشانه ناپاکی و خرابی درونی افراد است و اگرچه اعمال و اخلاق ناپسند فردی در بسیاری از موارد صلاحیت تعهدی لازم برای سپردن امانت های الهی در واگذاری مشاغل و مناصب حکومتی از افراد را سلب میکند اما این موارد همیشه عامل بد بودن ذاتی و بی ارزش شدن کامل فرد موردنظر نیست. افرادی هستند که دچار اعمال منفی و اشتباه فراوانی هستند اما هنوز در پیشگاه الهی از اعتبار و ارزش ساقط نگشته اند. خداوند از عملکرد افرادی ناخشنود است اما خود آنها را دوست میدارد.

البته باز هم اشاره می کنیم که این نکته اخلاقی دلیلی بر مسامحه و چشم پوشی در برابر اینگونه داوطلبین نیست، چرا که در مسائل حکومتی هیچگاه نمی توان به فردی که در مسائل اعتقادی، اخلاقی و رفتاری خود دچار ضعف و نقص و خرابی است کاری را واگذار کرد. اما هدف ما از طرح این موضوع اینست که گزینشگر ما نیز نباید به خاطر ضعف و عدم صلاحیت افراد به افراد به طور کامل بدبین گشته و در نظر او فرد از حیز انتفاع بیفتد چرا که ممکن است فردی فاقد صلاحیت کار حکومتی و سپردن امانت باشد اما ممکن هم هست به خاطر خصلتی نیک به همان نسبت در پیشگاه الهی دارای ارزشی باشد.

نکته دوم اینکه هر عمل خوب و یا هر ویژگی مثبتی همیشه دلیل بر خوب بودن ذاتی افراد و ارزش بالای آنان نیست. توفیقات الهی و خواسته های خداوند ممکن است به هر فردی رسیده و به واسطه هر کسی به منصف ظهور برسد. انسانی ممکن است به خاطر داشتن نیتی پاک، خصلتی نیکو و یا توفیقی ویژه لیاقت آن را بیابد که کارهای مفید و مثمر ثمری را در زمینه های مختلف به انجام برساند اما این موارد نه دلیلی بر ارزش ذاتی و یا صلاحیت های اعتقادی و اخلاقی فرد است و نه دلیلی بر صلاحیت و واگذاری امور حکومتی و اسلامی به او. طبق بیان امیرالمؤمنین علی (ع) در حکمت ۸۱ نهج البلاغه ارزش واقعی و ذاتی افراد را از موارد و مسائلی میتوان یافت که فرد به آنها ارزش داده و آنها را نیکو می پندارد:

قیمه کل امری ما یحسنه

ارزش هر کس به مقدار ارزش چیزهایی است که نیکو می پندارد و نیکو انجام میدهد

ارزش واقعی افراد از نوع علاقه ها و گرایشات فکری و قلبی آنان به موارد و مسائل مختلف مشخص می شود. آنچه در نظر فرد دارای ارزش و اعتبار است اگر خود آن چیز دارای ارزش بود به فرد نیز ارزش و اعتبار میدهد و اگر نبود نه. بینش ها و گرایشات انسان هویت و ارزش حقیقی او را تعیین می کنند.



حضرت (ع) در بخش دیگری نیز می فرماید:

قدر الرجل علی قدر همته و صدقه علی قدر مروءته و شجاعته علی قدر انفته و عفته علی قدر غیرته فرمود: ارزش مرد به اندازه همت اوست، و راستگویی او به میزان جوانمردی اش، و شجاعت او به قدر ننگی است که احساس می کند، و پاکدامنی او به اندازه غیرت اوست

و پنجمین اصل منشأ اعتقادات و اخلاقیات افراد است. اعتقادات و اخلاقیات در افراد برآمده از شرایط محیطی، تربیتی، خانوادگی و آموزشی است. در مواردی از کار گزینش نیاز است که پیشینه تربیتی، خانوادگی و محیطی و آموزشی افراد مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد تا مشخص شود که فرد در بستر چه شرایط، افکار و فرهنگی رشد کرده و اعتقادات و بینش ها و مواضع او متأثر از چه عواملی بوده و در چه زمینه هایی می باشد چرا که:

آگاه باش هر عملی رویشی است و هر روینده ای از آب بی نیاز نیست و ب ها نیز گوناگون می باشند. پس هر درختی که آبیاری اش به اندازه و نیکو باشد شاخ و برگش نیکو و میوه اش شیرین است و آنچه آبیاری اش پاکیزه نباشد درختش عیب دار و میوه اش تلخ

هیچگاه ظاهربین نباش و همیشه به مسائل کلیشه ای و قالبی نگاه نکن.

این حدیث، گفتار زیبای دیگری از امیر بیان حضرت علی (ع) است که به عنوان موضوع پایانی بدان اشاره می شود. عواملی که حضرت از نظر تفاوت و ویژگی های افراد مطرح می سازند ما را به این نتیجه میرساند که در گزینش و قضاوت نسبت به افراد هیچگاه نباید ظاهربین بوده و با یک نگرش قالبی نسبت به همه آنان نظر داده و قضاوت کنیم:

انما فرق بینهم مبادی طینهم و ذلک انهم كانوا فلقه من سیخ ارض و عذبها و حزن تره و سهلها فهم علی حسب قرب ارضهم یتقاربون و علی قدر اختلافها یتفاون فتام الرواء ناقص العقل و ماد القامه قصیر الهمه و زاکی العمل قبیح المنظر و قریب القعر بعید السبر و معروف الضریبه منکر الجلیبه و تائه القلب متفرق اللب و طلیق اللسان حدید الجنان

علت تفاوت های میان مردم، گوناگونی سرشت آنان است، زیرا آدمیان در آغاز، ترکیبی از خاک شور و شیرین، سخت و نرم، بودند، پس آنان به میزان نزدیک بودن خاکشان با هم نزدیک، و به اندازه دوری آن از هم دور و متفاوتند یکی زیباروی و کم خرد، و دیگری بلندقامت و کم همت، یکی زشت روی و نیکوکار، دیگری کوتاه قامت و خوش فکر، یکی پاک سرشت و بد اخلاق، دیگری خوش قلب و آشفته عقل، و آن دیگری سخنوری دل آگاه است.

وضعیت عملکردهای فردی به کیفیت نمازگذاری و توجه به نماز وابسته است

و اعلم ان کل شیء من عملک تبع لصلاتک

و بدان که تمام کردارت در گرو نمازت است.

در تکمیل این بحث به چند ضابطه که در زمینه مقوله «شناخت» در منابع دینی ما طرح شده است اشاره می کنیم:

۱. قال علی (علیه السلام): اما انه لیس بین الحق و الباطل الا اربع اصابع الباطل ان تقول سمعت و الحق ان تقول رأیت امام علی (علیه السلام) می فرمایند: بدانید که میان حق و باطل جز چهار انگشت فاصله نیست. باطل آن است که بگویی «شنیدم» و حق آن است که گویی «دیدم»

۲. قال علی (علیه السلام): ما اضر احد شیئا الا ظهر فی فلتات لسانه و صفحات وجهه

امام علی (علیه السلام) فرمود: کسی چیزی را در دل پنهان نکرد جز آن که در لغزش های زبان و رنگ رخسارش، آشکار خواهد گشت

۳. قال علی (علیه السلام): لا یری الجاهل الا مفرطا او مفرطا

امام علی (علیه السلام) فرمود: نادان را یا تندرو یا کند رو می بینی

۴. قال علی (علیه السلام): اتقوا ظنون المؤمنین فان الله جعل الحق علی السنتهم

امام علی (علیه السلام) فرمود: از گمان مؤمنان پرهیزید که خدا حق را بر زبان آنان قرار داده است

۵. قال علی (علیه السلام): سل تفقها و لا تسأل تعنتا

امام علی (علیه السلام) فرمود: برای فهمیدن پرس، نه برای آزار دادن

۶. قال علی (علیه السلام): المرء مخبوء تحت لسانه

امام علی (علیه السلام) فرمود: انسان زیر زبان خود پنهان است.

۷. قال الامام الصادق (علیه السلام): من صلی خمس صلوات فی الیوم و اللیله فی جماعه فظنوا به خیراً و اجیزوا شهادته

امام صادق (علیه السلام) می فرمید: کسی که نمازهای پنج گانه خود را به جماعت می خواند به او گمان نیک برید و شهادت او قبول کنید

دین انسان ساز الهی

(لقد من الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم آياته و يزكيهم و يعلمهم الكتاب و الحكمة و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين)

خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات او را تلاوت می کند و آنان را پاک می گرداند و به آنها علم کتاب (احکام شریعت) و حقایق حکمت می آموزد، هرچند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند

ره آورد پیامبر عظیم الشان اسلام مجموعه ای از معارف الهی و انسانی است که مطابق با فطرات انسانی نسخه هدایت، سعادت و تأمین صحیح نیازهای بشری در تمام شئون فردی و اجتماعی او می باشد که عزت و تعالی او را در تمامی مسائل و عرصه تأمین می سازد.

مجریان برنامه های دین و دست اندرکاران امور حکومت که می خواهند به واسطه اعمال و اجرای ضوابط دین مبین اسلام به اصلاح و سامان رسانی امور جامعه اسلامی پردازند باید به این حقیقت کاملاً واقف باشند که محور اساسی تمام قوانین و برنامه های اسلام «انسان» و به رشد و تعالی رسیدن «کمالات انسانی» اوست. نگاه انسان محوری به اسلام و قواعد مترقی آن که به تمامی مسائل انسانی بشر توجه کامل داشته دیدگاهی انسان دوستانه و انسان مدار را در کارگزاران امور اجتماعی پدیدار میسازد تا برنامه ها و عملکردهای حکومتی و مدیریتی خود را در بستر مسائل جامعه، با مواضع انسانی دین و قواعد رفتاری صحیح آن تطابق دهند تا آنکه با نگاهی بسته، تک بعدی و غیرانسانی به مخاطبان خود و افرادی که در کانال ورود مسائل اجرایی حکومت قرار می گیرند نظاره نکنند.

اگر بعد انسان محوری مسائل در دیدگاه هر نخبه، عالم و یا دست اندرکار امور حکومتی به فراموشی رود، انگیزه، دیدگاه و عملکرد او را که در طبیعت خشک و کانالیزه قواعد حکومتی و اجتماعی فرورفته است به عنصری خشک، کانالیزه شده، دگم و یا تنگ نظر و خشک مقدس مبدل می سازد و این امر باعث آن می شود که هیچگاه به بعد انسانی افراد پیش رو و به مقذورات و معذورات فردی آنان و به هدف غایی تمامی امور که در نهایت به انسانیت رسیدن افراد است توجهی نکند. میزان در گزینش حال فعلی افراد است.

(ثم ان اربك للدين عملوا السوء بجهاله ثم تابوا من بعد ذلك و اصلحوا ان ربك من بعدها لغفور رحيم)

اما پروردگارت نسبت به آنها که از روی جهالت، بدی کرده اند، سپس توبه کرده و در مقام جبران برآمده اند، پروردگارت بعد از آن آمرزنده و مهربان است.

استناد آیه مذکور برای موضوع مورد بحث استنادی کاملاً واضح است. افرادی که دارای اعمال سوء و اشتباه هستند و این گناهان را اولاً از روی جهالت و نه با قصد تخریب و دشمنی و عناد مرتکب شده و دوماً بعد از ارتکاب توبه کرده و از این اعمال دست کشیده اند و به اصلاح خطاها و انحرافات عملی خود پرداخته اند، بر طبق آیه، خداوند شرایط حال آنها را لحاظ کرده و از گذشته آنان چشم پوشی می کند. واژه «من بعدها» که به معنای «بعد از آن» می باشد گویای این مسئله است که خدای متعال با لحاظ حال فعلی آنان، آنها را مورد غفران قرار میدهد و با عنایت و رحمت ویژه خود دوباره شرایط ورود به عرصه زندگی انسانی و ایمانی برای آنان فراهم می سازد.

مگر اینکه از گروهکها و مفسدین بوده یا حال فعلی آنان مفسده جویی و اخلال گری باشد

(ياايها الذين آمنوا لا تتخذوا بطانه من دونكمم لا يألونكم خبالا وودوا ما عنتم قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفى صدورهم اكبر قد بينا لكم الايت ان كنتم تعقلون)

ای کسانی که ایمان آورده اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هر گونه شر و فسادى درباره شما، کوتاهی نمی کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده؛ و آنچه در دلهایشان پنهان می دارند، از آن مهم تر است. ما آیات (و ره های پیشگیری از شر آنها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید!

در این آیه خداوند دستور میدهد که با افراد معاند و غیر خودی (من دونکم) به هیچ وجه نه میتوان همکاری و دوستی داشت و نه اجازه هست که این افراد را همراز و همکار خود در امور فردی و اجتماعی حکومتی قرار داد؛ چرا که نشانه های دشمنی آنان را میتوان از لحن و کلام این افراد متوجه شد. اینگونه دشمنی ها و عنادها دیگر جای هیچ گونه مسامحه و چشم پوشی و

بی توجهی به سابقه منفی گذشته نمی گذرد. دشمنی این افراد دشمنی آشکاری است که توبه ظاهری نمی تواند اطمینان دهنده ترک دشمنی، فساد و عناد از سوی آنان باشد.

(یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الکافرین اولیاء من دون المؤمنین اتریدون ان تجعلوا لله علیکم سلطاناً مبیناً)

ای اهل ایمان، مبادا کافران را به دوستی گرفته و مؤمنان را رها کنید! آیا می خواهید (با این عمل) دلیل آشکاری بر ضد خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟!

(لایتخذ المؤمنون الکفرین اولیاء من دون المؤمنین و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شیء الا ان تتقوا تقات و یحذرکم الله نفسه و الی الله المصیر)

افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند؛ و هر کس چنین کند، هیچ رابطه ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلی از خدا گسسته می شود)؛ مگر اینکه از آنها پرهیزید (و به خاطر هدفهای مهمتری تقیه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می دارد؛ و بازگشت (شما) به سوی خداست.

آیات فوق صریحاً اعلان میدارد که مؤمنین نباید با افرادی که کفر اعتقادی و یا عملی دارند و مبانی ارزشی و اعتقادی شما مؤمنین را قبول ندارند طرح دوستی بریزید، چه در زندگی شخصی و چه در مسائل اجتماعی و امور حکومتی؛ چه رسد به دخالت دادن این افراد در امور مدیریتی کشور

(الذین یتربصون بکم فان کان لکم فتح من الله قالوا الم تکن معکم و ان کان للکفرین نصیب قالوا الم نستحوذ علیکم و نمنعکم من المؤمنین فانه یحکم بینکم یوم القیمه و لن یجعل الله للکفرین علی المؤمنین سبیلاً)

منافقان همانها هستند که پیوسته انتظار می کشند و مراقب شما هستند؛ اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و عنایم شریکیم) و اگر بهره ای نصیب کافران گردد، به آنان می گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی کردیم؟ (پس با شما شریک خواهیم بود!) خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می کند؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است

این آیه با مطرح کردن ویژگی های منافقین و این اصل قرآنی که نباید هیچ راه نفوذ و تسلطی برای منافقین در زندگی مؤمنین و مسائل اجتماعی و حکومتی آنان باشد، ضرورت بسیار بالای امر گزینش در تحقق این اصل مهم اسلامی را در حیطة مسائل حکومتی برای حفظ نظام حاکمیتی اسلام و حکومت مسلمانان بر مسائل، امکانات و سرنوشت خود، آشکار میسازد.

چند دلیل

(ان اشر الدواب عند الله الذین کفروا فهم لا یؤمنون)

به یقین، بدترین جنبندگان نزد خدا، کسانی هستند که کافر شدند و ایمان نمی آورند

خداوند پر ضررترین افراد برای مردم و جامعه را کسانی معرفی می کند که فاقد اعتقاد ایمانی بوده و نسبت به اعتقادات، مبانی و اصول عملی دین اسلام کافر و معاند هستند.

بی ایمانی و بی اعتقادی، و دشمنی و عناد افراد منافق داخلی دارای بیشترین و پر ضررترین فسادها است.

(ان الذین کفروا سواء علیهم اندرتهم ام لم تذرهم لایؤمنون\* ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوه)

کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی کند که آنان را (از عذاب الهی) بترسانی یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد. خدا بر دلها و گوشهای آنان مهر نهاده؛ و بر چشمهایشان پرده ای افکنده شده؛ و عذاب بزرگی در انتظار آنهاست

یکی از علت های مخالفت با بکارگیری گروه ها و افراد معاند و منافق در نظام اجرایی حکومت اسلامی، کفر و معاندتی است که این افراد نسبت به خداوند و روز جزا و حساب و کتاب اخروی دارند و نیز عدم انعطاف و تغییر رویه این افراد در برابر اعمال فساد جویانه و همچنین اندرزها و نصیحت های مکرر و فرصت های ارائه شده به آنان می باشد که به آن اصرار می ورزند:

(و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرسول رأیت المنافقین یصدون عنک صدوداً)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «به سوی آنچه خداون نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید»، منافقان را می بینی که (از قبول دعوت تو)، اعراض می کنند! و مردم را از گرویدن به تو منع می کنند

وارد شدن منافقین و انسانهای مفسده جو به نظام حاکمیتی دولت اسلامی و یا در دست گرفتن امور توسط آنان بزرگترین ضرری است که میتواند متوجه یک جامعه اسلامی شود. این افراد نیت هیچگونه همکاری و همفکری و همراهی با افراد مؤمن ندارند و در صورت دعوت به همکاری، وحدت و همدلی در مسائل انسانی و اسلامی، به اخلاص گری و جلوگیری از گرویدن

مردم و جوانان به سوی ارزش های الهی و انسانی و ایجاد پراکندگی میان صفوف مردم در حمایت از رهبری جامعه خود دست میزنند.

### ظلم فاحش

ظلم به افراد و کنار گذاردن انسانهای مفید از عرصه حرکت های اجتماعی و فعالیت های مؤثر جامعه، پیشینه ای تاریخی در زندگی بشر و ادوار مختلف حکومت ظالمان آن دارد. مطالعه تاریخ تصور سنت شدن ظلم به افراد و تضییع انسانهای کارآمد را به ذهن می آورد. سردمداران این حرکت پادشاهان و کارگزاران مفسدجویی بوده اند که هر گاه وجود فردی مفید در جامعه را به ضرر خود می دیده و مانعی بزرگ بر سر راه اهداف شوم و ضد انانیشان می پنداشتند با روشهای علنی و غیرعلنی آنان را خنثی کرده و از صحنه اثرگذاری و فایده رسانی حذف می کردند.

(ان فرعون علا فی الارض و جعل اهلها شیعا یتضعف طائفه منهم یدبح ابناءهم ویستحیی نساء هم انه کان من المفسدین)

فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می کشاند پسرانشان را سر می برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می داشت او به یقین از مفسدان بود این حرکت سنت گونه تاریخی ممکن است ناخودآگاه در هر حکومت و انقلابی در درون برنامه ریزی های مدیریتی و اجرایی آن نیز بدون خواست کارگزاران آن به وقوع پیوندد و افراد مفید و ارزشی در چرخه خشک تعاملات حکومتی و مدیریتی و در صحنه تاخت و تاز مسائل سیاسی و حزبی که براساس اصل خدامحوری به چرخش درنمی آید به فراموشی سپرده شوند و افراد ظاهر ساز و دغل کار جایگاه انسانهای متعهد و متخصص را پر کنند.

حذف یک انسان متعهد و متخصص، حذف یک استعداد انسانی و بی بهره شدن نظام حکومتی از توسعه و پیشرفتی تازه است؛ و ورود افراد کارآمد و با استعداد در عرصه حرکتهای کلان اجتماعی تجلی ظهور سنت حکومت مستضعفان بر زمین است؛ (و نرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الورثین)

ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! حکومت اسلامی به وسیله نظام گزینشی کارآمد و قوی میتواند با برقراری نظام شایسته سالارانه راه را برای ورود افراد مفید و ارزشی به بدنه مدیریتی و اجرایی هموار ساخته و در جهت تحقق این آرمان الهی موجبات ظلم و اجحاف در حق استعدادهای مفید جامعه را از میان بردارد. هر استعداد تازه ای که وارد عرصه مدیریت جامعه میشود روح تازه ای به بدنه اجرایی کشور می دمند.

(ارعیة الذین یکذب بالدین\* فذلک الذی یدع الیتیم\* و یا یحض علی طعام المسکین\* فویل للمصلین\* الذین هم عن صلاتهم ساهون\* الذین هم یراءون\* و یمنعون الماعون)

آیا کسی که روز جزا را پیوسته انکار می کند دیدی؟ او همان کسی است که یتیم را با خشونت می راند، و (دیگران را) به اطعام مسکین تشویق نمی کند! پس وای بر نمازگزارانی که در نماز خود سهل انگاری می کنند، همان کسانی که ریا می کنند، و دیگران را از وسایل ضروری زندگی منع می نمایند!

اگر با کمی دقت به آیات این سوره توجه کنیم می بینیم در آیات مذکور در معرفی اوصاف افرادی که در ظاهر از نمازگزاران شمرده می شوند ولی در عمل به هیچ یک از وظایف اسلامی خود عمل نکرده، ریاکاری کرده و به مستمندان خشم نشان می دهند، یکی از ویژگی های آنان را «منع کردن» مرد و افراد جامعه! از داشتن حداقل ضرورت های زندگی و امکانات و وسائل مورد نیاز زندگی معرفی می کند؛ خطر فراموشی آخرت و وجود حسابرسی اخروی در پس پرده اعمال فردی، آدمی را با وجود آنکه بهره مند از اعمال عبادی می باشد، به طرف ظلم و خیانت به افراد و محروم کردن انسانهای مستضعف از داشتن پیشرفت و راحتی میکشاند.

(مناع للخیر معتد مریب)

آن کسی که به شدت مانع خیر و متجاوز و در شک و تردید است (حتی دیگران را به تردید می افکند)

(مناع للخیر معتد ائیم)

و بسیار مانع کار خیر، و متجاوز و گناهکار است.

مانع خیر و متجاوز بودن دو ویژگی است که قرآن برای برخی افراد معرفی می کند.

تجسس

(یاایها الذین ءامنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم و لا تجسسوا)

ای کسانی که ایمان آورده‌اند از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید

آیه مذکور صریحاً به ممنوع بودن تجسس در احوال و اعمال مردم اشاره کرده و به نداشتن نگاه ظنی و گمان بد به افراد فرمان میدهد. بسیاری از گمانه‌ها و تصورات ذهنی افراد، سوء ظن و بدبینی به حالات و سکنات دیگران است و بیشتر به علت عدم تطابق ظاهر و اعمال افراد با تصورات و دیدگاه‌های شخص بیننده باشد.

مبنای اصلی و نگاه اول گزینش‌گر باید عدم سوء ظن و پیش‌داوری باشد چرا که این امر باعث می‌گردد اقدامات بعدی در فرآیند کاری گزینش‌گر به سوی تجسس و بررسی احوال شخصی و عیوب آنان کشیده نشود.

سوء ظن ابتدایی در حین شروع مصاحبه و یا دیگر امور گزینشی و یا بدبین شدن به داوطلب در اولین برخورد گزینش‌گر با او به خاطر نداشتن شمایل و ظواهری که او از فرد تصور می‌کرده و یا به خاطر ظاهر شدن حالتی خاص، لحنی متفاوت و یا گفتاری نامعلوم و یا حتی به خاطر ظاهر شدن علائمی منفی که با قضاوت سریع و بدون بررسی گزینش‌گر منجر به تبلور احساسات منفی و بدبینانه در او میشود، همه از عواملی است که میتواند کار مصاحبه و گزینش‌گر را به سوی تجسس از احوال شخصی افراد و بیرون کشیدن دیگر موارد منفی فرد که گزینش‌گر را به وسوسه می‌اندازد پیش ببرد.

یک گزینش‌گر آگاه و بصیر که دارای تجربه علمی و روانشناختی بالایی است و به خوبی میداند که موارد منفی اخلاقی و اعتقادی چه علائم و بروزهایی در اعمال و گفتار و منش افراد داشته و دچار هیچگونه «خودمحوری اخلاقی» و تفکر «قالبی» و «کلیشه‌ای» نبوده و همچنین از ویژگی‌های فرهنگی و اخلاقی اقبال مختلف جامعه اطلاعات و تحلیل درستی داشته باشد، میتواند با مشاهده علائم رفتاری و گفتاری در افراد و بررسی موارد لازم در آنان به ویژگی‌های اخلاقی و اعتقادی افراد پی ببرد. چنین شخصی به خوبی مصادیق تجسس و تحسس را تشخیص داده و مرزهای میان آن را می‌شناسد، لذا همیشه مراقب است گزینش و بررسی ویژگیهای فردی افراد او را به مرز تجسس نامشروع نکشاند.

«تحسس» بررسی وسیله «حس» و «مشاهده» برای اثبات و یا رد دلایل و قرائن مورد نیاز گزینش‌گر است، به خلاف تجسس که کنجکاو برای یافتن موارد مخفی و خصوصی افرادی است که به هیچ وجه کاربردی در موارد مورد نیاز گزینشی آنان ندارد. در مواردی که احراز بعضی خصوصیات اخلاقی و یا مواردی غیر اخلاقی ضرورت می‌یابد تحسس و بررسی شواهد و دلایل واضح آن، امری جایز است.

چه بسیار افرادی هستند که در ظاهر با مرام‌های عادی و عمومی افراد مذهبی و یا انسانهای با اصالت هم‌خوانی ندارند اما ممکن است در بینش و مرام خود، اعتقاد و التزامی محکم به مبانی دین و ارزشهای انسانی داشته باشند.

تجسس در مسائل خاص گزینشی تنها در صورت وجود ضرورت و مصلحتی که به مسائل عمومی مردم و نظام مربوط باشد مجاز است.